

مصادیق نقض حقوق بشر توسط آمریکا و مداخلات آن در جهان

کد موضوعی: ۲۶۰

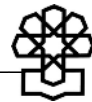
شماره مسلسل: ۱۰۷۸۷

اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

دفتر: مطالعات سیاسی

به نام خدا
فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	۱- نقض حقوق بشر در داخل آمریکا
۲	۱-۱- خشونت‌های گسترده و تهدید امنیت فردی
۳	۱-۲- تحدید حقوق مدنی، آزادی اینترنت
۳	۱-۳- وضعیت زندان‌ها در آمریکا
۵	۱-۴- نقض سیستماتیک قانون توسط مجریان
۶	۱-۵- شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: وجه پنهان جامعه آمریکا
۸	۱-۶- نقض حقوق مهاجرین و بومیان آمریکا
۹	۱-۷- نژادپرستی و تبعیض نژادی
۱۲	۱-۸- نقض گسترده حقوق مسلمانان در آمریکا
۱۳	۱-۹- وضعیت زنان و کودکان در آمریکا
۱۶	۲- نقض حقوق بشر توسط آمریکا در سایر کشورها
۱۶	۲-۱- بزرگ‌ترین فروشنده تسلیحات نظامی جهان
۱۶	۲-۲- نقض کنوانسیون‌های ژنو و شکنجه زندانیان در افغانستان و عراق
۱۹	۲-۳- حمایت گسترده از بزرگ‌ترین پرونده نقض حقوق بشر در تاریخ معاصر
۲۰	۲-۴- عدم پایبندی به معاهدات و تعهدات بین‌المللی
۲۱	۳- مداخلات نظامی آمریکا در جهان
۲۱	۳-۱- مداخلات نظامی در خلال سال‌های ۱۹۴۵ - ۱۹۵۰
۲۲	۳-۲- مداخلات نظامی در خلال سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۵۹
۲۳	۳-۳- مداخلات نظامی در خلال سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۶۹
۲۳	۳-۴- مداخلات نظامی در خلال سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۷۹
۲۴	۳-۵- مداخلات نظامی در خلال سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۰
۲۷	۳-۶- مداخلات نظامی در خلال سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۰۰
۲۹	۳-۷- مداخلات نظامی از سال ۲۰۰۰ تاکنون
۳۰	۴- اعتبارات و هزینه‌های مداخلات نظامی آمریکا
	۵- پیشینه مداخلات و خصومت‌های آمریکا در قبال ایران و موارد نقض حقوق بشر توسط آمریکا
۳۳	در ایران
۳۳	۵-۱- سابقه مداخلات آمریکا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران
۳۶	۵-۲- سابقه مداخلات آمریکا در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی
۵۷	جمع‌بندی
۵۸	منبع و مأخذ



مصادیق نقض حقوق بشر توسط آمریکا و مداخلات آن در جهان

چکیده

حقوق بشر به عنوان یکی از مهمترین شاخصه‌های تمدن و پیشرفت جامعه بشری امروزه از اهمیت بسیاری در روابط بین‌الملل برخوردار است با وجود این، ابهام در تعریف آن و استفاده ابزاری از آن یکی از مهمترین کاستی‌ها و چالش‌های کنونی ارتقای حقوق بشر در جهان به حساب می‌آید. در این میان کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا اگرچه به بهانه حمایت از دموکراسی و حقوق بشر در امور داخلی سایر کشورها مداخله کرده و با استفاده از دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای خود بسیاری از کشورها را مورد حمله تبلیغاتی قرار داده و به بهانه نقض حقوق بشر اقداماتی را نیز علیه بسیاری کشورها انجام می‌دهد، اما بررسی وضعیت حقوق بشر در این کشور و پیشینه مداخلات نظامی آن در جهان نشان می‌دهد که این کشور نه تنها از بسیاری از استانداردهای لازم در زمینه حقوق بشر برخوردار نبوده، بلکه خود نقش مؤثری در نقض حقوق بشر در جهان داشته است، به‌گونه‌ای که بسیاری از سازمان‌های حقوق بشری ازجمله عفو بین‌الملل و کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نگرانی جدی خود را از نقض حقوق بشر توسط آمریکا اعلام کرده‌اند. با وجود این این کشور همچنان به بهانه نقض حقوق بشر روزانه در امور داخلی بسیاری از کشورها مداخله می‌کند. براین اساس این گزارش تنها بخشی از موارد نقض حقوق بشر توسط آمریکا و همچنین مداخلات نظامی آن در جهان را مورد بررسی قرار داده و به بررسی تاریخی مداخلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی آن در امور داخلی ایران پرداخته است.

۱. نقض حقوق بشر در داخل آمریکا

دولت آمریکا - که همواره داعیه دموکراسی و حقوق بشر داشته و با بهانه نقض حقوق بشر اقداماتی علیه بسیاری از کشورها انجام داده است- از استانداردهای لازم در مورد حقوق بشر در کشور خود برخوردار نبوده و به شکل سازماندهی شده‌ای حقوق بشر در داخل این کشور نقض می‌شود.



۱-۱. خشونت‌های گسترده و تهدید امنیت فردی

- جرم‌های خشونت‌آمیز گسترده در ایالات متحده، تهدیدهایی جدی برای امنیت فردی، دارایی و زندگی مردم آن ایجاد می‌کند.

- در ایالات متحده در هر ۲/۲۲ ثانیه یک جرم، ۳۱ دقیقه یک قتل، در هر ۵/۸ دقیقه یک تجاوز به عنف و در هر ۱۴/۵ ثانیه یک سرقت اتفاق می‌افتد.^۱

- آمریکا بیشترین میزان سلاح‌های شخصی را در کل جهان داراست. بنابر آمار «اف.بی.آی» و «ای.تی.اف» اداره نظارت بر الکل، دخانیات، سلاح‌های گرم و مواد منفجره (ATF)^۲ در میان ۳۰۹ میلیون نفر جمعیت آمریکا، ۲۵۰ میلیون اسلحه پخش شده است و میزان قابل توجهی از صاحبان اسلحه، بیش از یک اسلحه نگهداری می‌کنند. ۴۸ ایالت از کل ایالت‌های آمریکا به ساکنین خود اجازه حمل اسلحه داده‌اند. همچنین در ۳۵ ایالت آمریکا، هر فردی می‌تواند بدون هیچ مخالفتی، اسلحه‌ای را از نمایشگاه‌های اسلحه بخرد. براین اساس، مردم آمریکا سالیانه ۷ میلیارد گلوله خریداری می‌کنند، اما در سال ۲۰۰۸ با یک جهش این میزان به ۹ میلیارد گلوله رسید.^۳

- سالیانه ۳۰ هزار نفر به ضرب گلوله (سلاح‌های مختلف) در آمریکا کشته می‌شوند. همچنین روزانه ۱۳ آمریکایی دست به خودکشی می‌زنند و ۱۶ نفر کشته می‌شوند و ۳۲۰۰ نفر در معرض اقدامات خشونت‌آمیز قرار می‌گیرد و ۱۶ زن قربانی تجاوز به عنف می‌شود.^۴

- ناامنی دسترسی مردم به اسلحه در آمریکا مشکلاتی را نیز در مورد تأمین جانی حتی برای فضای دانش‌آموزی این کشور به دنبال داشته است و فضاهای آموزشی دبیرستان و دانشگاه‌ها صحنه وقوع جرائم خشن مانند تیراندازی شده‌اند و هر روز وضعیت بدتر می‌شود. ۱۱ درصد از دانش‌آموزان آمریکایی در منطقه واشنگتن در سال ۲۰۰۹ به وسیله گلوله و یا سایر تسلیحات زخمی شده‌اند.^۵

- خشونت از طریق اسلحه کانون مباحثات آمریکا شده است. این عمل در مناطق فقیرنشین آمریکا به شدت رواج دارد. در این زمینه، سیاه‌پوستان آمریکایی شاهد رشد آمار موارد خشونت‌آمیز در حق خود با رشد ۲۳ درصدی در مقایسه با سفیدپوستان و یک قربانی از هر هزار نفر بوده‌اند. در این کشور شخصیت‌هایی سیاسی مانند جان.اف. کندی و مارتین لوتر کینگ نیز قربانی این نوع خشونت شده‌اند. استفاده از کوکائین و کراک از دلایل تأثیرگذار بر روان افراد استفاده‌کننده از این ابزار برای ارتکاب جنایت گزارش شده است.

1. Washington Post, 16 September, 2008.

2. Bureau of Alcohol, Tobacco, Firearms and Explosives (ATF)

3. The China Press, 25 September, 2009.

4. Ibid.

5. A Report of Heritage Center for DataAnalysis, School Safety in Washington D.C, <http://www.heritage.org>



۲-۱. تحدید حقوق مدنی، آزادی اینترنت

- اگرچه در ایالات متحده همواره در سیاست‌های اعلامی بر آزادی‌های سیاسی و مدنی تأکید می‌شود، اما با وجود این، محدودیت‌های بسیاری در قبال حقوق مدنی شهروندان اعمال می‌شود این مسئله به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر در مورد نظارت عمیق و شدید بر شهروندان و ارتباطات آنان اعمال شده است. به‌گونه‌ای که هر صفحه اینترنتی را که مورد بازدید قرار می‌گیرد، هر ایمیلی را که فرستاده می‌شود و هر جستجوی آنلاینی را ثبت و کنترل کند.

- سازمان امنیت ملی آمریکا (NSA) از سال ۲۰۰۱ در سراسر این کشور تجهیزات استراق سمع نصب کرده تا تماس‌ها، فکس‌ها و ایمیل‌های شهروندان آمریکایی را کنترل کند و به ارتباط‌های داخلی این کشور دسترسی داشته باشد.^۱

- مصوبه میهن‌دوستی^۲ آمریکا به سازمان‌های اعمال قانون اجازه می‌دهد ارتباطات تلفنی و ایمیلی و همچنین سوابق مالی، پزشکی و دیگر پیشینه‌های شهروندان این کشور را جستجو کنند و صلاحیت‌های مقامات اجرای قانون و همچنین مقامات اداره مهاجرت آمریکا را برای بازداشت و بازگرداندن متهمین به فعالیت‌های تروریستی به کشورشان تعمیم دهند. این مصوبه تعریف تروریسم را گسترش داد و در نتیجه تعداد فعالیت‌هایی که می‌توان قدرت‌های اجرایی قانون را در مورد آنها اعمال کرد، بیشتر کرد. همچنین اف.بی.آی متعهد به اعمال کنترل و مراقبت غیرقانونی - که از سوی دولت مرکزی طراحی شده است و اخذ شماره تلفن، شماره حساب و دیگر اطلاعات شخصی هزاران نفر از مردم با وسایل غیرمجاز شده است.^۳

۳-۱. وضعیت زندان‌ها در آمریکا

- نسبت زندانیان ایالات متحده در مقایسه با جمعیت آن به رکورد جدیدی دست یافته است. آمریکا بزرگ‌ترین زندان دنیا به‌شمار می‌رود، زیرا بیشترین نسبت شهروندان زندانی شده را در جهان به‌خود اختصاص داده است. شمار جمعیت زندانیان آمریکا از سال ۱۹۸۰ به این سو، چهار برابر شده و از ۵۰۰ هزار به ۲/۳ میلیون نفر رسیده است و اکنون ایالات متحده رکوردار بیشترین آمار زندانی در جهان است. براین اساس، از هر صد نفر یکی در زندان به‌سر می‌برد همچنین پدر یکی از هر ۲۸ کودک آمریکایی در زندان است. این درحالی است که آمار در برخی از کشورهای دیگر به نسبت هر صد هزار نفر (لیبی ۲۱۷ نفر، انگلیس ۱۴۸ نفر، چین ۱۱۹ نفر، کانادا ۱۰۷ نفر و فرانسه ۸۵ نفر) کمتر از این تعداد است. بنابراین آمریکا رکوردار تعداد زندانیان دنیا و در رتبه اول جهان قرار

1. <http://www.onlinejournal.com>, 23 November, 2009.

2. Patriot Act

3. NewYork Times, 15 April, 2009.



دارد و از هر ۱۹۸ نفر در این کشور یک نفر در زندان به سر می‌برد.

- میزان زندانیان ایالات متحده ۶ برابر بیشتر از میانگین جهانی (۱۲۵ نفر در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر) است. براساس آمارها، میزان جنایت‌پیشگی (اعتیاد به ارتکاب جرم) در ایالات متحده بالاست. نصف افرادی که سابقه محکومیت دارند در عرض سه سال مجدداً به زندان محکوم شده‌اند.

- حمایت مناسبی از حقوق اولیه زندانیان در ایالات متحده نمی‌شود. براساس اعلام نهادهای آمریکایی، منع شکنجه در این کشور از جایگاه قانونی مشخص برخوردار نمی‌باشد و حتی پذیرش کنوانسیون منع شکنجه و کنوانسیون حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی همراه با شرط‌هایی بوده است که اعمال این مقررات را در وضعیت مبهم و غیرشفاف قرار می‌دهد.

- گزارش‌های مکرری از مرگ زندانیان در اثر رفتارهای خشونت‌آمیز نگهبانان زندان وجود دارد. سالانه ۷ هزار نفر در زندان‌های آمریکا جان خود را از دست می‌دهند که بیشتر این تعداد یا به قتل می‌رسند یا خودکشی می‌کنند.

- در مراکز حبس و زندان‌های ایالات متحده برای کنترل زندانیان از دستگاه شوک‌دهنده به‌طور گسترده استفاده می‌شود. از سال ۲۰۰۱ به بعد بیش از ۳۰۰ مورد گزارش شده است که مردم در اثر وارد شدن شوک جان باخته‌اند.^۱

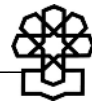
- طبق یادداشت‌های وزارت دادگستری آمریکا در زمان بوش «عریان کردن اجباری، زدن ضربه به‌صورت و شکم، دستکاری در تغذیه افراد، کوبیدن به دیوار کاذب، بستن افراد با زنجیر در حالات دردناک و استفاده از حشرات قطعاً شکنجه به حساب نمی‌آیند».

- در چهار یادداشتی که از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ توسط کارشناسان حقوقی وزارت دادگستری دولت تهیه شده «سیلی زدن، زنجیر کردن دست و پای زندانیان، القای حس خفگی با آب و سایر رفتارهای غیرقانونی در جریان بازجویی» توجیه قانونی شده‌اند. در این یادداشت‌ها، به بازجویان اجازه داده شده بود که زندانیان را در وضعیت‌های ایستاده و دردناک نگهدارند و آنها را از غذا و خواب به مدت طولانی محروم کنند.

- بر اساس گزارش‌های منتشر شده وزارت دادگستری آمریکا روش القای حس خفگی با آب، ۲۶۶ بار هنگام بازجویی از «ابوزبیده» و یک مظنون دیگر مورد استفاده قرار گرفته است.

- یکی از شکنجه‌های متداول سیا استفاده از آب بود که در این شیوه دست و پای فرد زندانی را می‌بستند و سرش را در یک کیسه قرار می‌دادند و از سوراخی که در کیسه ایجاد می‌کردند در مجرای تنفسی او آب می‌ریختند که به شخص حالت خفگی و غرق شدن در آب دست می‌داد که به‌خاطر نرسیدن اکسیژن به مغز و شش‌ها آسیب‌های شدیدی را به‌همراه داشت و گاهی اوقات به

1. Amnesty International Report, 2008.



مرگ زندانی منجر می شد. مأموران سیا ۸۳ مرتبه از این شیوه برای اعتراف گرفتن از شخصی که تصور می شد یکی از رهبران اصلی القاعده یعنی «ابوزبیده» است، استفاده کردند.^۱

- آزار جنسی زندانیان یکی از بزرگترین رسوایی ها در خصوص نقض حقوق بشر در زندان های آمریکا است و موارد متعدد تجاوز به زندانیان توسط کارکنان زندان گزارش و ثبت شده است در طول ۸ سال گذشته آمار تجاوز افسران و کارکنان زندان به زندانیان دو برابر شده است. بیش از ۹۰ درصد از زندانبانان به دلیل تجاوزات جنسی دارای پرونده قضایی هستند.^۲

- شیوع بیماری های واگیردار بین زندان ها از جمله مواردی است که در میان زندانیان به چشم می خورد. مطابق آمار بین ۱/۵ تا ۱/۹ درصد از زندانیان مرد و زن زندان های آمریکا ایدز دارند.

- با توجه به اینکه از هر ۱۰ نفر زندانی ۶ نفر دارای بیماری روانی است، برخی از زندان های ایالات متحده به صورت «تیمارستان های جدید» برای معتادان به مواد مخدر و بیماران روانی درآمده است.

- از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۹ در آمریکا ۷ هزار و ۷۱۳ نفر به وسیله صندلی الکتریکی یا تزریق سم اعدام شده اند. یعنی به طور متوسط ظرف این مدت سالیانه ۲۵۷ نفر اعدام شده اند. اکثر اعدام ها در آمریکا به وسیله صندلی الکتریکی و تزریق سم انجام می شود؛ هم اکنون نیز فهرست ۵۳ نفره زنان محکوم به اعدام و در انتظار مرگ در آمریکا وجود دارد که در این میان، «ترزا لوپس» زنی ۴۱ ساله با نارسایی ذهنی بود که ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۰ اعدام شد.

۴-۱. نقض سیستماتیک قانون توسط مجریان

- نقض سیستماتیک قانون توسط مجریان یکی دیگر از موارد نقض حقوق بشر در آمریکاست. در این زمینه پلیس آمریکا سالیانه موارد متعددی از نقض قانون علیه شهروندان را مرتکب شده اند. برخی از آنان با اخذ رشوه به همکاری با توزیع کنندگان مواد مخدر روی آورده اند.^۳ برخی نیز هنگام برخورد با متهمان موازین قانونی را رعایت نکرده و متهمان را به باد کتک گرفته اند.^۴ از سوی دیگر فساد مسئله ای شایع در دستگاه اداری آمریکاست. بیش از ۱۰۰۰ مأمور دولت و پلیس در دو سال گذشته توسط FBI مورد محاکمه و بازجویی قرار گرفتند چهار نماینده جمهوریخواه به سبب فساد مجبور به استعفا شدند و تعداد زیادی از نمایندگان کنگره نیز تحت پیگرد و بازجویی هستند.

1. New York Time, 20 April, 2009.

2. Washington Post, 11 September, 2009.

3. <http://justicepolice.org>

4. Chicago Breaking News, September, 2009.



۵-۱. شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: وجه پنهان جامعه آمریکا

- در ایالات متحده توزیع بسیار نابرابری در درآمد و دستمزدها میان ثروتمندترین و کم‌درآمدترین مردم وجود دارد. درآمد یک‌پنجم مردم آمریکا به‌طور میانگین ۱۶۸/۱۷۰ دلار یعنی در حدود درآمد پنج برابر یک‌پنجم طبقه پایین مردم - ۱۱/۳۵۲ دلار - به‌دست می‌آورند. ۱ درصد بالای مالیات‌دهندگان نیویورک سیتی ۳۷ درصد درآمد ناخالص شهر - شامل دستمزدها، درآمد تجاری و درآمدهای سرمایه‌ای و بقیه درآمدها - را دریافت می‌کنند.^۱

- جمعیت زیر خط فقر در آمریکا به بیشترین میزان خود در ۱۱ سال اخیر رسیده است. تا پایان سال ۲۰۰۸، در مجموع، ۳۹/۸ میلیون آمریکایی زیر خط فقر زندگی می‌کردند و این میزان نسبت به سال ۲۰۰۷، تعداد ۲/۶ میلیون نفر افزایش داشته است.^۲

- یک تحقیق میدانی سراسری نشان می‌دهد که تحت تأثیر بحران‌های مالی، حدود ۸۰ درصد کارگران کم‌درآمد از خریدن سوخت یا پس‌انداز پول برای بیمه بازنشستگی عاجز شدند. بیش از ۶۰ درصد آنها نتوانستند حق بیمه درمان را بپردازند و ۵۰ درصدشان پولی برای غذا و اجاره‌خانه نداشتند.^۳

- طبق برآورد درمانگاه دولتی بی‌خانمان‌ها در واشنگتن در حوزه این درمانگاه به‌طور میانگین ۶۰۰۰ نفر بی‌خانمان وجود دارد. از این تعداد، ۶۷ درصد «بی‌خانمان دائمی» هستند.^۴

- نرخ بیکاری در اکتبر ۲۰۰۹ به ۱۰/۲ درصد رسید که بالاترین میزان از سال ۱۹۸۳ تاکنون محسوب می‌شود.^۵

- تعداد آمریکاییان فاقد بیمه درمان نیز در حال رشد است. یک‌ششم آمریکایی‌ها تحت پوشش بیمه درمان نیستند.

- ۴۶/۳ میلیون نفر بدون بیمه درمانی در سال ۲۰۰۸ زندگی می‌کردند که ۱۵/۴ درصد کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دادند.^۶

- بر اساس گزارش مؤسسه بین‌المللی مصرف‌کنندگان در سال ۲۰۰۹، میزان ۳۴ درصد خانواده‌های آمریکایی با درآمد کمتر از ۵۰ هزار دلار در سال و ۲۱ درصد از خانواده‌ها با درآمد بیش از ۱۰۰ هزار دلار در سال، بیمه درمانی خود را از دست دادند و یا مجبور شدند کیفیت آن را کاهش دهند. به‌علاوه، دوسوم خانواده‌های با درآمد کمتر از ۵۰ هزار دلار در سال و یک‌سوم خانواده‌های با درآمد بیش از ۱۰۰ هزار دلار در سال، مخارج درمان خود را قطع کردند. حدود ۲۸ درصد مردم

1. NewYork Times, 19 April, 2008.

2. Washington Post, 10 September, 2009.

3. Tiwan Times, 17 October, 2008.

4. District Agrees on Homeless Access, Faces \$ 5 Milion Cost, The Washington Times, 13 December, 2008.

5. NewYork Times, 7 November, 2009.

6. U.S. Census Bureau Report, 10 September, 2009.



آمریکا، گزینه «وقتی مریض می‌شوم، به دکتر مراجعه نمی‌کنم» را انتخاب کردند. یک‌چهارم مردم این کشور، توان پرداخت هزینه درمان را ندارند و ۲۲ درصد آنها درمان را به تأخیر می‌اندازند. یک‌پنجم افراد، داروهای تجویز شده را نمی‌خرند و ۱۵ درصد مردم، داروهای تاریخ منقضی شده مصرف می‌کنند و یا برای صرفه‌جویی در مسائل مالی، داروها را سروقت مصرف نمی‌کنند.^۱

- از آنجا که هزینه‌های پزشکی و درمانی بالا رفته است، بسیاری از شرکت‌ها خرید بیمه درمانی برای کارکنانشان را قطع کرده‌اند. نتایج تحقیقی که در مارس ۲۰۰۸ توسط فدراسیون مستقل ملی اشتغال اجرا شده است نشان می‌دهد که فقط ۴۷ درصد شرکت‌های کوچک مساعدت‌های درمانی برای کارکنان خود ارائه می‌دهند. در بین شرکت‌هایی که تعداد کارکنان آنها ۵۰ نفر و یا کمتر است فقط ۲۴ درصدشان کمک‌های درمانی می‌پردازند. بسیاری از این شرکت‌ها از آوردن دکتر برای معاینه و معالجه کارگران عاجز شدند و از این کار دست برداشتند.

- گزارش ۲۰۰۸-۲۰۰۹ توسعه انسانی آمریکا نشان می‌دهد که ۱۴ درصد آمریکایی‌ها (حدود ۴۰ میلیون)، بدون داشتن توانایی مناسب برای خواندن و نوشتن، قادر به فهم مقالات، روزنامه‌ها و کتابچه‌های راهنما نیستند.

- برای فقیرترین خانواده‌ها - آنهایی که ۲۰ درصد پایین درآمدها را کسب می‌کنند - هزینه نهایی یک سال تحصیلی در یک دانشگاه دولتی برابر ۵۵ درصد میانگین درآمدهایشان است که این رقم ۳۹ درصد بالاتر از هزینه نهایی تحصیل در دانشگاه در سال تحصیلی ۱۹۹۹-۲۰۰۰ است. این هزینه در دانشکده‌های عمومی معادل ۴۹ درصد میانگین درآمد فقیرترین خانواده‌ها در سال ۲۰۰۸ بود که در مقایسه با ۱۹۹۹-۲۰۰۰، ۴۰ درصد رشد داشته است.^۲ فقط ۱۱ درصد فرزندان فقیرترین خانواده‌ها مدرک دانشگاهی داشتند. این رقم در مورد فرزندان ثروتمندترین خانواده‌ها - ۲۰ درصدی که بیشترین درآمد را دارند - ۵۳ درصد بود.^۳

- اعتیاد، خودکشی و مسائل اجتماعی دیگر نیز در ایالات متحده شایع است. آمریکا بیشترین جمعیت مصرف‌کنندگان کوکائین و ماری‌جوانا در جهان را دارد. یک تحقیق میدانی بر روی ۵۴۰۰۰ نفر از ۱۷ کشور جهان نشان می‌دهد که ۱۶ درصد جواب‌دهندگان آمریکایی به سؤال‌های این تحقیق که حداقل یک‌بار در عمرشان مصرف کوکائین و بیش از ۴۲ درصد ماری‌جوانا را تجربه کرده‌اند، پاسخ مثبت داده‌اند.^۴

شکnce گسترده، بدرفتاری‌ها با آمریکایی‌های بومی و مهاجر و تبعیض نژادی نظام‌مند یکی دیگر از موارد نقض حقوق بشر در آمریکا محسوب می‌شود.

1. <http://www.orgonlive.com>

2. NewYork Times, 3 December, 2008.

3. NewYork Times, 22 February, 2008.

4. Who Global Drug Survery Findes High Rate of Cocaine, Marijuana: <http://thebostonchannel.com>



- تقریباً یک پنجم بزرگسالان جوان آمریکایی اختلال شخصیتی دارند که زندگی روزمره آنها را تحت تأثیر قرار می دهد و نزدیک به نصف افراد جوانی که مورد تحقیق قرار گرفته اند نوعی حالت روانی دارند. این درحالی است که کمتر از ۲۵ درصد آمریکاییانی که در سن دانشگاه بوده و مشکلات روانی دارند - یک پنجم بزرگسالان - اختلال شخصیتی داشته و تحت معالجه قرار دارند.

۶-۱. نقض حقوق مهاجرین و بومیان آمریکا

- رفتارهای تکان دهنده و غیربشری نهادهای امور مهاجرت و سازمان امنیت داخلی آمریکا در این کشور، نقض حقوق مهاجرین را آشکار ساخته است. از مهاجران به آمریکا بازرسی های غیرانسانی گرفته می شود و از حقوق اولیه شان طی دوران زندان محروم می شوند. آنان در شرایط نامساعدی به سر می برند و با مهاجران، غیرانسانی و ظالمانه رفتار می شود. مهاجران غیرقانونی همواره مورد سوءرفتار قرار می گیرند. آنها در زندان اغلب با مجرمان نگهداری می شوند و از حقوق انسانی اساسی و خدمات بهداشتی و پزشکی اولیه محروم می شوند. هر ساله عده ای از آنها در زندان جان می دهند.^۱

- علاوه بر مهاجران غیرقانونی صدها نفر از مهاجران قانونی نیز بازداشت شده اند، زیرا اجازه ورودشان به آمریکا مورد پذیرش واقع نشده است و در اغلب موارد به کشورهای خودشان بازگردانده شده اند. تعداد زیادی پس از دستگیری به هیچ وجه اجازه دیدار با خانواده شان را نداشته اند و درمواقع بسیار نادر از پشت حصار توانسته اند با خانواده شان طی زمان محدودی دیدار کنند. بسیاری از مهاجران بدون دلیل و یا بدون ارتباط با دنیای بیرون از زندان برای مدت طولانی زندانی شده اند. خدمات پزشکی و روانکاو نیز برای مهاجرانی که در زندان های آمریکا تحت شکنجه بودند، به هیچ وجه مهیا نبوده است. برخی از افراد دستگیر شده نیز به طور مرتب با جنایتکاران و محکومان در یک بند زندانی بوده اند.^۲

- تجاوز جنسی به مهاجران در بازداشتگاه های آمریکا نیز یکی دیگر از موارد نقض حقوق مهاجران محسوب می شود. در این زمینه نیز گزارش دیده بان حقوق بشر حاکی از آن است که به مهاجران در بازداشتگاه های آمریکا تجاوز جنسی صورت می گیرد. براساس گزارش دیده بان حقوق بشر، تعداد واقعی نمونه های تجاوز ممکن است بسیار بیشتر باشد چون بسیاری از قربانیان این تجاوزها به کشورهای خود بازگردانده شده اند یا فرصت شکایت کردن نداشتند این درحالی است که براساس گزارش ها، سازمان گمرکات و مهاجرت آمریکا تعیین دستورات قانونی الزام آور برای

1. The China Press, 14 December, 2008.

2. Sing Tao Daily, 13 April, 2009.



بررسی شرایط بازداشت‌شدگان امتناع کرده است.

- شکنجه گسترده، بدرفتاری‌ها با آمریکایی‌های بومی و مهاجر و تبعیض نژادی نظام‌مند یکی دیگر از موارد نقض حقوق بشر در آمریکا محسوب می‌شود.
- جمعیت جوان بومی کمتر از ۲ درصد کل جمعیت جوان ایالات متحده است. با این حال ۱۵ تا ۲۰ درصد زندانیان جوان را بومیان تشکیل می‌دهند که ۳۰ درصد از آنان به سخت‌ترین مجازات‌ها محکوم شده‌اند.

۷-۱. نژادپرستی و تبعیض نژادی

- در آمریکا قانون در مورد تمامی افراد به‌طور یکسان اعمال نمی‌شود و تبعیض نژادی در همه ابعاد زندگی اجتماعی گسترده است. سیاهان و اقلیت‌های دیگر هنوز از تبعیض و رفتارهای نابرابر در رنجند. همچنین در دستگاه قضایی آمریکا مشکلات زیادی را برای سیاهپوستان آمریکایی به‌وجود آورده است.
- تبعیض نژادی و قومیتی در ایالات متحده همچنان وجود دارد و وضعیت معیشتی سیاهان و رنگین‌پوستان در آمریکا در پایین‌ترین سطح قرار دارد.
- سیاهپوست‌ها و سایر اقلیت‌ها جزء پایین‌ترین طبقات جامعه آمریکا به‌حساب می‌آیند. نزدیک به یک‌چهارم ساکنین سیاه‌پوست آمریکا - یعنی سه برابر بیشتر از ساکنین سفیدپوست - در زیر خط فقر زندگی می‌کنند.^۱
- درآمد متوسط ساکنین سیاه‌پوست و اسپانیایی تقریباً ۶۲ درصد درآمد متوسط ساکنین سفیدپوست غیراسپانیایی بوده است.^۲
- سیاهان و رنگین‌پوستان در آمریکا برای یافتن شغل در معرض تبعیض هستند و اعمال تبعیض در استخدام نیز عادی است. نرخ بیکاری در میان جامعه آمریکا در سال ۲۰۰۹ میلادی ۱۰/۲ درصد بوده است، اما اگر قرار باشد که نرخ بیکاری در میان گروه‌های مختلف جامعه آمریکا بررسی شود آن گاه باید دانست که این نرخ در میان سیاه‌پوستان ۱۵/۷ درصد، در میان اسپانیولی‌تبارها ۱۳/۱ درصد و در میان سفیدپوستان ۹/۵ درصد بوده است.^۳ این درحالی است که نرخ بیکاری در بین جوانان ۱۶ تا ۲۴ ساله سیاه‌پوست قریب به ۳۴/۵ درصد بوده که سه برابر میانگین است.^۴
- چهره منفی که رسانه‌های آمریکا از رنگین‌پوستان ارائه می‌کنند باعث شده است این گروه‌ها

1. Income, Poverty and Health Insurance Coverage in the U.S: 2007, Issued by the U.S. Census Bureau in August 2008, <http://www.Census.gov>

2. Ibid.

3. USA Today, 6 November, 2009.

4. Washington Post, December, 2009.



همواره دچار مشکلات فراوانی در مسائل مربوط به شغل و کار خود شوند و استخدام آنها با مشکلات فراوانی همراه شود.

- برای مهاجران، صاحبخانه شدن در ایالات متحده سخت است. مرکز تهیه مسکن اشتراکی مهاجران نیویورک وابسته به توسعه اجتماعی در گزارشی منتشر کرده است که حدود ۲۵ درصد آمریکاییان بومی، نصف درآمدهایشان را برای اجاره‌خانه هزینه می‌کنند. درحالی که این میزان در بین مهاجران به حدود ۳۱/۵ درصد می‌رسد. مهاجران آمریکایی جنوبی و مکزیکی به‌ترتیب ۷۱/۱ و ۷۹/۸ درصد درآمدهایشان را خرج اجاره‌خانه می‌کنند.

- زنان سیاه‌پوست ۱۵ برابر بیشتر از زنان سفیدپوست احتمال ابتلا به ویروس HIV را دارند. درحال حاضر، حداقل ۵۰۰۰۰۰ آمریکایی سیاه‌پوست مبتلا به ایدز هستند.

- مسئله تبعیض نژادی در بخش آموزش نیز معمولاً به چشم می‌خورد. میزان تحصیلات دبیرستانی آفریقایی - آمریکایی‌ها و میزان ورودی‌های آنها به دانشگاه هنوز به میزان تحصیلات سفیدپوستان در دو یا سه دهه پیش نرسیده است. بیش از نیمی از گروه‌های قومی قبل از اتمام تحصیلات دبیرستان، مدرسه را ترک می‌کنند و ۵۳ درصد از سیاهان پس از دبیرستان، تحصیلات دانشگاهی را ادامه نمی‌دهند. این درحالی است که ۳۰ درصد سفیدپوستان تحصیلات خود را ادامه می‌دهند. دانش‌آموزان آفریقایی آمریکایی کمتری در مقایسه با دانش‌آموزان سفیدپوست موفق به اخذ مدرک دانشگاهی می‌شوند. چنانچه براساس گزارش دفتر آمار ایالات متحده آمریکا، ۳۳ درصد از سفیدپوستان آمریکایی دارای تحصیلات عالیه دانشگاهی هستند، این درحالی است که همین درصد در میان سیاه‌پوستان آمریکا ۲۰ و در میان اسپانیولی‌تبارها تنها ۱۳ است!^۱ بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸، ۶۱ درصد از تقاضاهای تحصیلی سیاه‌پوستان و ۴۶ درصد از تقاضاهای تحصیلی آمریکایی‌های مکزیکی‌تبار ارائه شده به دانشکده‌های حقوق در آمریکا رد شده است. اما این آمار درخصوص سفیدپوستان تنها ۳۴ درصد است.^۲

- درحالی که سیاه‌پوستان تنها ۱۷ درصد از جمعیت دانش‌آموزان آمریکایی را تشکیل می‌دهند، ۳۲ درصد از اخراج‌های صورت گرفته از مدارس به ایشان مربوط می‌شود.^۳

- بیشترین جوانان سیاه‌پوست آمریکایی بر این باورند که قربانی تبعیض نژادی هستند. ۲۰ درصد کودکان سیاه‌پوست و ۱۵ درصد کودکان اسپانیولی‌تبار قربانی تبعیض هستند. این تبعیض نژادی از مهمترین عوامل بیماری‌های روانی در میان کودکان نژادهای مختلف ساکن در آمریکاست. کودکان اسپانیولی‌تبار بیش از ۳ برابر کودکان سفیدپوست و کودکان سیاه‌پوست نیز بیش از ۲ برابر

1. US Bureau of Census, 27 April, 2009. www.Census.gov

2. The New York Times, 7 January, 2010.

3. Science Daily, 29 April, 2009.



کودکان سفید پوست آمریکایی در معرض بیماری افسردگی هستند.^۱

- یک گزارش خبری حاکی است احتمال تنبیه بدنی دانش آموزان آفریقایی - آمریکایی در مدارس دولتی نسبت به کودکان سفیدپوست بیشتر است.

- تبعیض نژادی در سیستم قضایی ایالات متحده، وحشتناک است سیاهان معمولاً شدیدتر از سایرین مجازات می شوند و محکومیت های زندان آنان نیز طولانی تر است. ۴۰ درصد محکومان به زندان بیش از یک سال را سیاهان تشکیل می دهند و مردان زندانی شده سیاه پوست ۶ برابر مردان زندانی شده، سفیدپوست است.

- جوانان آفریقایی آمریکایی بازداشت شده متهم به قتل حداقل سه برابر بیشتر از سفیدپوستان، احتمال زندانی شدن - بدون امکان آزادی مشروط - دارند.

- از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۷ نسبت افراد سیاهپوست به سفیدپوستانی که در معاملات مواد مخدر در سراسر آمریکا دستگیر شده اند ۲/۸ به ۵/۵ بوده است که این ارقام نشان می دهد تعداد سفیدپوستانی که در قاچاق مواد مخدر دست داشته اند دو برابر سیاهپوستان در آمریکا بوده است.^۲

اما علیرغم اینکه اغلب مجرمین مواد مخدر سفیدپوستان هستند، ۵۴ درصد مجرمین زندانی شده مواد مخدر سیاه ها هستند. در ۱۶ ایالت، نسبت آمریکا - آفریقاییانی که به خاطر مواد مخدر به زندان فرستاده می شوند بین ۱۰ تا ۴۲ برابر بیشتر از نسبت سفیدپوستانی است که به این دلیل زندانی می شوند. مطالعه ای بر روی ۳۴ ایالت آمریکا نشان می دهد که احتمال زندانی شدن یک مرد سیاهپوست به اتهام مصرف مواد مخدر ۱۱/۸ برابر بیشتر از یک مرد سفیدپوست و یک زن سیاهپوست ۴/۸ برابر بیشتر از یک زن سفیدپوست است.

- تعداد زندانیان سیاهپوستی که بدون عفو مشروط به حبس ابد محکوم شده اند ۱۰ برابر زندانیان سفید پوست محکوم به حبس ابد در ۲۵ ایالت آمریکا بوده است که این رقم در کالیفرنیا ۱۸ برابر بوده است.^۳

- در شهرهای بزرگ آمریکا بیش از یک میلیون نفر در خیابان ها توسط مأموران پلیس مورد بازرسی قرار می گیرند که تقریباً ۹۰ درصد آنها را مردان تشکیل می دهند که از این تعداد ۷۵ درصد مردان سیاهپوست آمریکایی و ۲۲ درصد مردان اسپانیایی هستند و تنها ۳۰ درصد از آنها مردان سفیدپوست هستند.^۴ آمارهای پلیس لس آنجلس نشان می دهد که در مقایسه با هر ۱۰۰ نفر اسپانیایی که توسط پلیس برای پاسخ دادن به سوالات پلیس متوقف می شوند، فقط یک نفر سفیدپوست متوقف می شود. احتمال متوقف شدن آمریکا - آفریقایی ها توسط پلیس، از این هم بیشتر است.

1. USA Today, 5 May, 2009.

2. <http://www.hrw.org>, 2 Maech, 2009.

3. The China Press, 9 October, 2009.

4. The NewYorkTimes, 17 November, 2009.



- سیاست‌های دولت آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر تأثیر منفی بسیار زیادی بر مسلمانان آمریکا گذاشته و آزادی‌های مدنی آنها را شدیداً محدود کرده و اسلام‌ستیزی رهبران مسیحیان پروتستانی آمریکا مانند «فرانکلین گراهام»، «جری فالول» و «پت رابرتسون» نیز از دیگر اقدامات ضداسلامی در آمریکاست. براین اساس، امروزه اسلام‌هراسی در آمریکا به چالشی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است. بسیاری از اقداماتی که با نام اجرای قانون بر ضد سازمان‌ها و ادارات مسلمانان آمریکا اعمال می‌شوند، دست آخر بدون اقامه اتهام‌های متقن و محکمه‌پسند خاتمه می‌یابند.

- زندگی مسلمانان در آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ با مشکلات زیادی مواجه شده است. براساس نظرسنجی‌های صورت گرفته توسط مرکز تحقیقاتی «پی‌یو» تقریباً ۵۸ درصد از مردم آمریکا تصور می‌کنند که تبعیض بیش از اندازه‌ای علیه مسلمانان اعمال می‌شود و ۷۳ درصد از جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله آمریکایی معتقدند که مسلمانان پیوسته در معرض آزار و اذیت گروه‌های نژادپرست هستند. همچنین مسلمانان، آمریکاییان عرب‌تبار و سایر گروه‌های اقلیت هدف بازرسی‌های ضدتروریستی FBI هستند.^۱

- ازسوی دیگر خصومت نژادی جدی نیز در ایالات متحده وجود دارد. جنایات مربوط به نفرت و گروه‌های افراطی در پنج سال اخیر، ۳۳ درصد افزایش داشته است، به نحوی که اکثر جنایات صورت گرفته براساس انگیزه‌های نژادی بوده است.

- هر ساله در ایالات متحده حدود ۱۹۱۰۰۰ جرم ناشی از خصومت گزارش می‌شود ۵۰/۸ درصد این جرم‌ها با انگیزه تعصب نژادی صورت گرفته است و ۶۲/۹ درصد مجرمان شناخته شده، سفیدپوستان بوده‌اند.

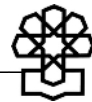
۸-۱. نقض گسترده حقوق مسلمانان در آمریکا

- در آمریکا تبعیض بر علیه اقلیت‌های مذهبی کاملاً آشکار است و در این میان متأسفانه تبعیض بر علیه مسلمانان در رتبه اول قرار دارد.

- موج تبلیغاتی علیه اسلام سبب تشدید اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در آمریکا شده است. چنانچه با توجه به نظرسنجی‌های صورت گرفته توسط شبکه خبری ای.بی.سی و روزنامه واشنگتن پست در سال ۲۰۰۹ در حدود ۴۸ درصد مردم آمریکا دارای دیدگاه منفی نسبت به مسلمانان بودند، درحالی که در سال ۲۰۰۲ تنها ۲۴ درصد پاسخ‌دهندگان ذهنیتی منفی نسبت به مسلمانان داشتند، لذا جرائم ناشی از انزجار بر ضد مسلمانان این شهر از ابتدای سال ۲۰۱۰ تاکنون افزایش یافته است.

- شورای روابط اسلام و آمریکا بیش از ۸۰ درصد خشونت‌ها بر ضد مسلمانان را مربوط به

1. WshingtonTimes.com, 10 September, 2009.



ایالت‌های کالیفرنیا، نیویورک، آریزونا، ویرجینیا، تگزاس، فلوریدا، اوهایو، مریلند، نیوجرسی و ایلینویز و برخاسته از ایجاد وحشت غیرواقعی از اسلام در این کشور دانست. در این شرایط افزایش گرایش‌ها و تبلیغات گسترده ضداسلامی را عاملی برای افزایش اعمال خشونت‌آمیز در جامعه آمریکاست.

- به گزارش سازمان عفو بین‌الملل از هر ۹ آمریکایی در مورد یک نفر پرونده سازی نژادی صورت گرفته و سازمان‌های فدرال و دولتی به بهانه مبارزه با تروریسم از این شیوه تحقیرکننده و تبعیض‌آمیز و خطرناک استفاده کرده‌اند.

- موج جدید اسلام ستیزی در ایالات متحده در سال ۲۰۱۰ تشدید شد. این روند با اظهارات کشیشی در یک کلیسای کوچک در فلوریدا شکل گرفت. تری جونز پیش از برگزاری مراسم ۱۱ سپتامبر اعلام کرد مرکز امداد جهانی صلح درصدد سوزاندن نسخه‌هایی از قرآن است. در بخش‌هایی از اعلامیه این مرکز آمده بود: ما قصد داریم نسخه‌هایی از قرآن را بسوزانیم تا آگاهی مردم را بالا برده و نسبت به تعالیم و ایدئولوژی این دین به آنها هشدار دهیم. وی سال پیش نیز نوشته‌ای بر سر در کلیسای خود آویزان کرده بود که در آن درج شده بود اسلام زاینده شیطان است، عنوانی که بعدها آن را برای کتاب خود نیز انتخاب کرد. به‌رغم اظهارات افراطی این کشیش تنها ۸ هزار نفر در فیس بوک به عضویت گروه او درآمدند. نکته جالب توجه اینکه برخی از سیاستمداران آمریکایی نیز از سخنان وی استقبال کرده‌اند. برای مثال ران مک نیل، یکی از نامزدهای حزب جمهوریخواه در سخنرانی خود اعلام کرده است که مسلمانان می‌خواهند زندگی ما را ویران کنند و ما باید با آنها به مقابله بپردازیم.

- امروزه بسیاری از نویسندگان و فعالان سیاسی در مطبوعات و رسانه‌های آمریکا با استفاده از واژگانی همچون تروریسم اسلامی و اسلام خشونت طلب درصدد ترسیم دین اسلام به عنوان دینی بدوی، خشونت طلب و غیرمنطقی هستند. درواقع آنها مسلمانان را به عنوان گروه‌های خشونت‌طلبی معرفی می‌کنند که درصدد سیطره بر آمریکا و از بین بردن ارزش‌ها و اصول این کشور هستند. این موج تبلیغاتی علیه اسلام سبب تشدید اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در آمریکا شده است. چنانچه با توجه به نظرسنجی‌های صورت گرفته توسط شبکه خبری ای.بی.سی و روزنامه واشنگتن پست در سال ۲۰۰۹ در حدود ۴۸ درصد مردم آمریکا دارای دیدگاه منفی نسبت به مسلمانان بودند، درحالی که در سال ۲۰۰۲ تنها ۲۴ درصد پاسخ‌دهندگان ذهنیتی منفی نسبت به مسلمانان داشتند.

۹-۱. وضعیت زنان و کودکان در آمریکا

- وضعیت زنان و کودکان در ایالات متحده نگران‌کننده است. آنان در آمریکا در شرایط نامساعدی زندگی می‌کنند و همواره در معرض خطرات جدی هستند که زندگی‌شان را تهدید می‌کند. زنان



آمریکایی قربانیان خشونت خانگی و خشونت جنسی هستند. آمارها نشان می‌دهند که یک سوم زنانی که به معالجه اورژانسی نیاز پیدا می‌کنند قربانیان خشونت خانگی هستند.

- ایالات متحده بالاترین میزان تجاوز به عنف را در بین کشورهای که چنین آمارهایی را منتشر می‌کنند، داراست. میزان تجاوز به عنف در آمریکا ۱۳ برابر بیشتر از انگلستان و ۲۰ برابر بالاتر از ژاپن است.^۱

- در ایالات متحده زنان جوان کم‌درآمد در سنین بین ۲۰ تا ۲۴ سال بیشتر در معرض خشونت‌های خانگی و آزارهای جنسی قرار دارند و در هر ۲ دقیقه یک نفر قربانی تجاوز می‌شود.

- هر ساله ۴/۸ میلیون نفر زن در آمریکا مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند. زنان جوان اقلیت‌های مذهبی در معرض خطرهای ناشی از سوءاستفاده‌های جنسی یا ضرب و شتم هستند. از هر ۵ دختر دانشجوی آمریکایی ۱ نفر مورد تجاوز قرار گرفته است و تنها کمتر از ۵ درصد از این موارد به پلیس گزارش می‌شود. در این کشور هر ۶ دقیقه یک زن مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرد. در این کشور هر ۱۵ ثانیه ۱ مورد ضرب و شتم گزارش شده است.^۲

- تجاوز جنسی به زنان بومی در ایالات متحده شایع است. برخی از زنانی که توسط سازمان عفو بین‌الملل مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند اظهار داشته‌اند که در جامعه خودشان کسی را نمی‌شناسند که تجربه خشونت جنسی نداشته باشند.

- تجاوز و تبعیض بزرگ‌ترین مشکل زنان سرباز آمریکایی است و یک سوم نظامیان مورد تجاوز قرار گرفته‌اند و بررسی‌ها نشان می‌دهد ۹۰ درصد از زنان مورد تجاوز قرار می‌گیرند که ۹۰ درصد از آنان آن را گزارش نمی‌کنند.

- کودکان زیر ۱۸ سال یک سوم افراد فقیر را در ایالات متحده تشکیل می‌دهند. در شهر نیویورک ۴۱/۶ درصد کودکان خانواده‌های تک‌سرپرست در زیر خط فقر زندگی می‌کنند.^۳

- بیش از ۳/۵ میلیون کودک زیر ۵ سال در آمریکا با گرسنگی و یا سوءتغذیه مواجه هستند که این رقم ۱۷ درصد از کل جمعیت کودکان زیر ۵ ساله در آمریکا را به خود اختصاص داده است. در ۱۱ ایالت آمریکا این امکان وجود دارد که بیش از ۲۰ درصد از کودکان جانشان را به‌خاطر گرسنگی از دست بدهند که این میزان در ایالت لوئیزیانا در حدود ۲۴/۲ درصد است. جوانان زیر ۱۸ و ۱۸ ساله بیش از یک سوم جمعیت فقیر آمریکا را تشکیل می‌دهند.^۴

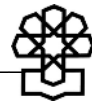
- کودکان آمریکایی همواره قربانیان خشونت هستند و خطرات زیادی زندگی آنها را تهدید می‌کند و

1. Occurrence of rape, <http://www.sa.rochester.edu/masa/stats.php>

2. Maze of Injustice: the Failure to Protect Indigenous Woman From Sexual Violence in the USA, <http://www.amnestyusa.org>

3. Income, Poverty and Health Insurance Coverage in the United States: 2007, Issued by the U.S. Census Bureau in August 2008, www.Census.gov

4. www.feedingamerica.org, 7 May, 2009.



هیچ تضمینی برای امنیت کودکان در ایالات متحده وجود ندارد.

- هر سال حدود ۱/۸ میلیون مورد از گم شدن کودکان گزارش می‌شود که بیش از ۳ میلیون کودک قربانی آزار و اذیت عاطفی، زبانی، جنسی و جسمی، بی‌توجهی، رها شدن و مرگ شده‌اند. هر ساله حدود ۱۵۰۰، فاجعه کودک‌آزاری اتفاق می‌افتد.

- سوءاستفاده جنسی از کودکان فاحش است. یک‌پنجم کودکان تا قبل از ۱۸ سالگی مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند. سالیانه در آمریکا بیش از ۴۰۰ هزار کودک مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند.

- سالیانه بیش از ۲ میلیون تجاوز جنسی علیه کودکان و نیز غفلت و مسامحه درباره آنها صورت می‌گیرد، اما زمانی که پای آمار مربوط به مرگومیر به میان می‌آید، ارقام نگران‌کننده‌تر می‌شوند، زیرا سالیانه ۱۱۰۰ کودک آمریکایی به دلیل شدت تجاوزات جنسی جان می‌سپارند و این رقم ۱/۶ فوت در هر ۱۰۰ هزار مرگ را تشکیل می‌دهد. براساس مطالعات صورت گرفته، حدوداً از هر ۷ مرد آمریکایی یک تن تا پیش از رسیدن به سن ۱۸ سالگی مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد.

- یک‌سوم بچه‌هایی که از خانه فرار می‌کنند و یا از خانه طرد می‌شوند برای به‌دست آوردن غذا، مواد مخدر و جای خواب دست به خودفروشی می‌زنند و از نظر دستگاه قضایی این کودکان قربانی نیستند، بلکه کودکان بزهکار به‌شمار می‌آیند.

- ایالات متحده از جمله اندک کشورهایی در دنیاست که کودکان نیز مانند بزرگسالان مشمول مجازات‌های جنایی می‌شوند. این کشور تنها کشوری در دنیاست که در دادگاه‌های آن برای کودکان حکم حبس بدون امکان آزادی کامل یا مشروط صادر می‌شود.

- محکوم کردن کودکان به مرگ یا زندگی در زندان بدون امکان آزادی ناقض ماده (۳۷) کنوانسیون حقوق کودکان است. شورای حقوق بشر سازمان ملل به‌هنگام بررسی شاخص‌های حقوق بشری در ایالات متحده گفت محکوم کردن کودکان به زندگی در زندان بدون امکان آزادی مواد (۷) و (۲۴) قرارداد بین‌المللی راجع به حقوق سیاسی و مدنی را نقض می‌کند.

- کار کردن کودکان در مزارع آمریکا به امری عادی مبدل شده است. یکی از سازمان‌های حمایت از حقوق کودکان افشا کرد که تخمین زده می‌شود که در حدود ۴۰۰ هزار کودک به‌عنوان کارگر مزرعه در آمریکا کار می‌کنند که این میزان در حدود ۲۰ درصد از کل جمعیت کارگران مزارع در آمریکاست و این درحالی است که برخی از آنها فقط ۸ سال سن دارند و با ابزارآلات خطرناک کشاورزی سروکار دارند و همواره در معرض مسمومیت حشره‌کش‌های قوی هستند.^۱ براساس قوانین کار به یک بچه بالای ۱۳ سال اجازه داده می‌شود که برای مدتی طولانی و در گرمای

1. Spain's Uprising Newspaper, 14 October, 2009.



طاقت فرسا در یک مزرعه کار کند، اما اجازه ندارد که در یک اداره با تهویه‌ای مناسب کار کند حتی در آمریکا به کودکان اجازه نمی‌دهند در رستوران‌ها کار کنند.

۲. نقض حقوق بشر توسط آمریکا در سایر کشورها

ایالات متحده سابقه‌ای طولانی در زیر پا گذاشتن حاکمیت و نقض حقوق بشر در کشورهای دیگر دارد. درواقع، جاه‌طلبی آمریکا منجر به تشدید بی‌ثباتی در جهان شده است. در این زمینه تنها تهاجم نظامی آمریکا در کشور عراق بیش از ۲ میلیون کشته، ۱ میلیون زن بیوه، ۴ میلیون کودک یتیم، بیش از ۱ میلیون نفر مفقودالاثر بخشی از پیامد حضور نظامیان مدافع حقوق بشر آمریکا در عرصه تلفات انسانی است.

۲-۱. بزرگ‌ترین فروشنده تسلیحات نظامی جهان

- آمریکا بزرگ‌ترین ارتش را در جهان در اختیار دارد و به‌عنوان بزرگ‌ترین فروشنده تسلیحات نظامی، بی‌ثباتی و ناامنی در سراسر جهان را بسیار تشدید کرده و حقوق ملت‌های خارجی را به شدت نقض کرده است.^۱

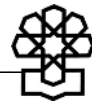
- ایالات متحده آمریکا به واسطه توان نظامی بالایی که در اختیار دارد همواره به دنبال تسلط بر تمامی نقاط جهان بوده است و برای دستیابی به این هدف به سایر کشورها به دیده تحقیر نگریسته است و حق حاکمیت مستقل و حقوق بشر در این کشورها را نادیده گرفته است.

۲-۲. نقض کنوانسیون‌های ژنو و شکنجه زندانیان در افغانستان و عراق

- آمریکا کنوانسیون‌های ژنو را به شکل سیستماتیک نقض کرده و رفتار وحشیانه‌ای با اسرای جنگی در عراق و افغانستان دارد.

- ویکی‌لیکس اخیراً با انتشار ۴۰۰ هزار سند در مورد جنگ عراق با پرده برداشتن از زوایای جنایت‌های آمریکا در جریان اشغال این کشور گزارش داده است که از زمان حمله آمریکا به عراق از سال ۲۰۰۳ تا اواخر سال ۲۰۰۹ حدود ۲۸۵ هزار نفر کشته و زخمی شده‌اند که ۶۳ درصد از آنها افراد غیرنظامی بوده‌اند. این آمار، شمار قربانیان حملات آمریکا را ۱۰۹ هزار نفر و مجروحان را ۱۷۶ هزار نفر برشمرد است. براساس این اسناد، در بین غیرنظامیان کشته شده عراقی، زنان باردار، افراد سالخورده، کودکان و حتی بیماران روانی نیز وجود داشته‌اند که به شکل‌های مختلف

1. U.S. Arms Sales Undermine Global Human Rights, <http://sfgate.com>



از جمله تیراندازی در مراکز ایست و بازرسی، حملات جنگنده‌های آمریکایی در عراق و یا در شلیک‌های بی‌دلیل نظامیان این کشور به‌سوی مردم کشته شده‌اند.

- شرکت‌های امنیتی خصوصی حدود ۶۰۰۰ مأمور امنیتی خصوصی در عراق اجیر کردند. قربانیان فعالیت‌های این شرکت‌ها همواره از غیرنظامیان عراقی بودند.

- طبق گزارش دیده بان حقوق بشر در ۱۹ می ۲۰۰۸، ایالات متحده از سال ۲۰۰۳ به بعد حدود ۲۴۰۰ کودک را در عراق بازداشت کرده است که در میان آنها کودکان ۱۰ ساله نیز به چشم می‌خورند. نیروهای آمریکایی همچنین ۵۱۳ کودک عراقی را تحت عنوان «تهدیدهای ضروری برای امنیت» بازداشت کرده‌اند. کودکان در زندان عراق در معرض خطر سوءاستفاده جسمی هستند.

- اسناد منتشر شده توسط پایگاه اینترنتی ویکی‌لیکس نشان می‌دهد که ارتش آمریکا شواهد مربوط به شکنجه و آزار و اذیت غیرنظامیان را نادیده گرفته است.

- زندانیان در یک بازداشتگاه مخفی در پایگاه اصلی آمریکایی‌ها در افغانستان مورد شکنجه‌های جسمی و روحی قرار گرفته‌اند، از جمله ادعاهای زندانیان، «نگهداری در مکان سرد، تحقیر، کتک خوردن مکرر، محرومیت از خواب و برهنه شدن» بوده است. این افراد در فاصله زمانی ۲۰۰۹ - ۲۰۱۰ در این زندان به‌سر برده‌اند. این مسئله در مورد زندان‌های مخفی آمریکا در پایگاه هوایی بگرام هم مورد تأیید قرار داده است.^۱

- در زندان‌های آمریکایی در عراق، افغانستان و گوانتانامو شرایط و اوضاعی برقرار است که شکنجه، رفتار وحشیانه و غیرانسانی و برخوردهای تحقیرآمیز اقدامات زشت را به‌راحتی قابل اجرا می‌سازد و کرامت انسانی، قربانی جنگ آمریکا علیه تروریسم و نیز نظم تحقیقاتی این کشور شده، زیرا دولت آمریکا نه تنها قوانین بین‌المللی و حقوق بشر، بلکه به عمد و از سر اراده قوانین انسانی جامعه جهانی را زیر پا گذاشته شده است. انتشار اسناد جنگ افغانستان و عراق توسط پایگاه اینترنتی ویکی‌لیکس، اعتبار آمریکا را به‌عنوان یک کشور مدعی حمایت از حقوق بشر مخدوش کرده است. اسناد منتشر شده توسط پایگاه اینترنتی ویکی‌لیکس نشان می‌دهد که ارتش آمریکا شواهد مربوط به شکنجه و آزار و اذیت غیرنظامیان را نادیده گرفته است. بنابراین علاوه بر نقض گسترده حقوق بشر در داخل آمریکا سازمان‌های بین‌المللی و رسانه‌ها از نقض گسترده و رسوایی‌های نظامیان آمریکایی در کشورهای مختلف و زندان‌هایی تحت نظر دولت واشنگتن خبر داده‌اند که رسوایی زندان ابوغریب در عراق و پایگاه دریایی ارتش آمریکا در گوانتانامو واقع در خلیج کوبا از پرتوی‌های آنها بوده است.

- عکس‌های منتشر نشده از زندان ابوغریب بغداد، سربازان آمریکایی را هنگام کتک به قصد کشت

1. IPS, New York, 25 February, 2009.



یک زندانی عراقی، تجاوز به یک زن زندانی، رفتاری غیراخلاقی با جنازه یکی از زندانیان و تشویق زندانبانان بعثی به تجاوز به پسر بچه‌ها نشان می‌دهد. بر پایه همین گزارش، زندانبانان در مقابل دیدگان این مادران عراقی و دوربین‌های خود به بچه‌های آنان تجاوز کرده‌اند و بدتر از همه در آن فیلم‌ها که در معرض دید عموم قرار نگرفته صدای جیغ کودکانی است که از درد به خود می‌پیچند. با اینکه زندانبانان ابوغریب اعتراف کردند دستور شکنجه و قتل زندانیان را از مقامات بالا در ارتش آمریکا دریافت کرده‌اند، در جریان محاکمات نمایشی متهمان، تنها تعدادی از سربازان و افسران جزء، به مجازات‌های خفیفی محکوم شدند.

- براساس گزارشی که در شصت و چهارمین مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شد، آمریکا و پیمانکاران خصوصی‌اش مردان مسلمانی را که در عراق و سایر کشورها بازداشت کرده بودند مجبور می‌کردند که به یکدیگر تجاوز کنند.

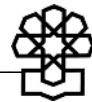
- بازجوه‌های ایالات متحده در جریان بازجویی از بازداشت‌شدگان در زندان نظامی گوانتانامو به روش‌هایی مثل بازداشتن زندانیان از خوابیدن، مجبور کردن آنها به استفاده از مواد مخدر و اقرار گرفتن متوسل می‌شوند.

- دولت آمریکا بیش از ۶۰۰ نفر را در پایگاه هوایی «بگرام» در افغانستان زندانی کرده است. سازمان ملل متحد در این باره گزارش انتقادی را منتشر کرده است که براساس آن بسیاری از زندانیان ادعا کرده‌اند که در معرض شکنجه‌های سخت بودند و در مدت پنج سالی که زندانی بودند بارها مورد آزار جنسی نیز قرار گرفتند و نیروهای آمریکایی ۱۵ تا ۲۰ نفر از آنها را در قفس‌هایی کوچک زندانی می‌کردند که منجر به مرگ چندین تن از زندانیان شده بود.^۱

- تعدادی از اعضای کادر پزشکی ارتش آمریکا با جعل اسناد پزشکی مختلف بر ضرب، جرح و شکنجه زندانیان عراقی در زندان ابوغریب بغداد هنگام بازجویی‌ها سرپوش گذاشتند و با صدور گواهی فوت جعلی برای کسانی که زیر شکنجه و بازجویی‌های سخت در زندان ابوغریب کشته می‌شدند، مرگ آنها را ناشی از سکته قلبی، گرم‌زدگی و... جلوه می‌دادند.

- دولت آمریکا و پنتاگون در برنامه‌ای مشترک افسران بازنشسته و نظامی را به استخدام خود درآورده و به آنها روش‌های کامنت‌نویسی در مطبوعات و روش‌های تفسیر به نفع حکومت را درباره جنگ در افغانستان و عراق به آنها آموزش داده است تا با نوشتن مطالب در رسانه‌ها و گفتن مطالب مورد نظر دولت، افکار عمومی را تحت‌الشعاع خود قرار دهند و ظن مردم را نسبت به اهداف آمریکا از حملات برطرف نمایند. آنالیزهای مثبتی که در رسانه‌ها توسط این مدل کارشناسان مطرح می‌شود کاملاً سازماندهی شده است. مثبت نشان دادن جنگ، توسعه ایدئولوژی

1. Ibid.



به ظاهر ضدتروریسم از دیگر اهدافی است که این نوع افسران باید در رسانه‌ها بدان بپردازند.
- دولتمردان آمریکایی در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در قالب مبارزه با تروریسم به نقض گسترده حقوق بشر در سایر کشورها مانند عراق و افغانستان پرداخته است.

۲-۳. حمایت گسترده از بزرگ‌ترین پرونده نقض حقوق بشر در تاریخ معاصر

آمریکا از بزرگ‌ترین فاجعه نقض حقوق بشر که توسط اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از بیش از ۶۳ سال گذشته تاکنون، حمایت مالی، نظامی و سیاسی کرده است. ایالات متحده معمولاً معیارهای دوگانه‌ای را در رابطه با امور حقوق بشر بین‌المللی دنبال می‌کند و به تعهدات حقوق بشر بین‌المللی خود پایبند نیست.

- کمک‌های آمریکا به رژیم اسرائیل^۱

• حمایت مطلق و بدون قید و شرط و نامحدود از رژیم صهیونیستی در همه ابعاد سیاسی نظامی تبلیغاتی و مالی و تلقی از اسرائیل به عنوان تنها متحد استراتژیک ایالات متحده در خاورمیانه به‌طوری که شرکت‌های اسرائیلی تنها شرکت‌هایی هستند که اجازه ورود به مناقصه‌های وزارت دفاع آمریکا را برای انعقاد قراردادهای صنایع تسلیحاتی ایالات متحده دریافت می‌کنند.

• وتوی تمام قطعنامه‌هایی را که در شورای امنیت سازمان ملل علیه جنایت اسرائیل مطرح می‌گردد. آمریکا مانع اصلی اقدامات کشورهای مختلف جهان از طریق سازمان ملل علیه ظلم‌های مداوم رژیم صهیونیستی است.

• اعطای کمک‌های مالی مستمر به مبلغ حداقل ۳ میلیارد دلار در سال و اخیراً پس از جنگ اسرائیل علیه حزب‌الله لبنان کمک ویژه‌ای را برای بازسازی ارتش رژیم صهیونیستی در اختیار وی گذاشت. علاوه بر آن اخیراً آمریکا تصمیم گرفته است تا یک کمک ۳۰ میلیارد دلار نظامی را نیز در اختیار ارتش اسرائیل قرار دهد.

• فشار سیاسی شدید به کشورهای که با سیاست‌های اسرائیل در سرکوب فلسطینیان مخالفت می‌ورزند مثل جمهوری اسلامی ایران و سوریه.

• تروریست شناختن کلیه گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان و اقدام‌های گوناگون بین‌المللی علیه آنان.

• همسوسازی کشورهای عربی خاورمیانه با سیاست‌های اسرائیل و استفاده از توان آنها برای فشار به فلسطینی‌های مبارز.

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد تعاملات اسرائیل و آمریکا و میزان کمک‌های آمریکا از اسرائیل نک:

Casey L. Add, Israel: Background and U.S. Relationd, CRS, 14 Feb, 2011.



• کاهش سطح «مسئله اعراب و اسرائیل» از یک موضوع کلی به «مسئله اسرائیل و گروه‌های مقاومت» در فلسطین و لبنان و تلاش برای بی‌طرفی سیاسی اعراب در این منازعه به نفع اسرائیل به گونه‌ای که کشورهای عربی هرگونه همراهی با انتفاضه فلسطین را برابر با خطر برای خود و خلاف مصلحت خویش تلقی نمایند.

• حفظ برتری نظامی اسرائیل در خاورمیانه با دراختیار گذاشتن پیچیده‌ترین فناوری تسلیحاتی و نیز تجهیز ارتش اسرائیل به ناوهای سائر ۵ که مجهز به M. K و بالگردهای آپاچی و هواپیماهای بدون سرنشین F15 و F16 هستند و همچنین مجهز کردن آن به جدیدترین سلاح‌ها و موشک‌های پیشرفته پاتریوت و بمب‌های خوشه‌ای ضد نفر. لازم به ذکر است که این‌گونه بمب‌های خوشه‌ای به گونه‌ای طراحی شده‌اند که در میانه راه منفجر شده و تبدیل به صدها بمب کوچک می‌شوند و در نتیجه هر بمب می‌تواند منطقه‌ای نسبتاً وسیع را نابود کند. معمولاً حدود ۲۰ درصد از این بمب‌های خوشه‌ای بعد از پرتاب در منطقه تهاجم باقی می‌مانند و پس از خاتمه جنگ به عنوان تهدیدی جدی برای مردمی که در آن منطقه به سرزمین‌های خود بازمی‌گردند به شمار می‌روند. گفته می‌شود بعد از جنگ اخیر اسرائیل علیه حزب الله لبنان حدود ۱۰۰ هزار بمب خوشه‌ای در جنوب لبنان پراکنده شده است.

• سرمایه‌گذاری در اقتصاد اسرائیل و کمک به توسعه اقتصادی این رژیم.

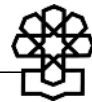
• آمریکا اسرائیل را به عنوان یکی از ارکان مهم امنیت ملی و نیز منافع ملی خود تلقی می‌کند. در نتیجه هر اقدام علیه اسرائیل را اقدام علیه آمریکا می‌پندارد و حل مسائل و مشکلات اسرائیل را در دستور کار دولتمردان خود قرار می‌دهد. براساس این سیاست مبنای دوستی آمریکا با کشورهای جهان میزان نزدیکی و همکاری آنان با اسرائیل است.

• بازگذاشتن دست اسرائیل برای انجام هرگونه عملیات نظامی علیه فلسطینیان و گروه‌های مقاومت و نیز ارتکاب هر نوع جنایات جنگی بدون نگرانی از عواقب بین‌المللی آن.

• تلاش برای ایجاد ارتباط سیاسی بین اسرائیل و کشورهای عربی و ارتقا سطح این روابط را معیاری برای همکاری آمریکا با کشورهای عربی دانستن. هم‌اکنون با حضور مرکز فرماندهی آمریکا در قطر این کشور مجبور شده است تا دفتر نمایندگی اسرائیل را در دوحه باز و روابط تجاری خود را با رژیم صهیونیستی برقرار کند و مسئولین آن امیرنشین هم به طور مرتب با سران رژیم صهیونیستی دیدار کنند.

۲-۴. عدم پایبندی به معاهدات و تعهدات بین‌المللی

- ایالات متحده نسبت به تعهدات حقوق بشری بین‌المللی خودش براساس پیمان‌های بین‌المللی،



بی‌توجه است. ایالات متحده ۳۲ سال پیش قرارداد بین‌المللی راجع به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۲۹ سال پیش قرارداد حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان و ۱۵ سال پیش کنوانسیون حقوق کودکان را امضا کرده است، اما هیچ‌کدام از این قراردادها را (در کنگره) تصویب نکرده است. کنوانسیون حقوق معلولان مهمترین پیشرفتی است که سازمان ملل متحد برای حمایت از حقوق معلولان در قرن جدید به آن دست یافته است و این کنوانسیون از سوی کشورهای مختلف با ارزش ارزیابی شده است. تا امروز ۱۳۶ کشور این کنوانسیون را امضا کرده‌اند و ۴۱ کشور آن را به تصویب مراجع قانونی خود رسانده‌اند، اما ایالات متحده هنوز آن را تأیید و امضا نکرده است، ایالات متحده هیچ تعهدی را برای بهبود و حمایت از حقوق بومیان نپذیرفته است و نیز حق خودگردانی آنها را نسبت به زمین و منابع طبیعی، در سازمان ملل متحد و جامعه بین‌المللی به رسمیت نشناخته است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شصت و یکمین جلسه خود در ۱۳ اکتبر ۲۰۰۷ بیانیه حقوق بومیان را با ۱۴۳ رأی مثبت به تصویب رساند. ایالات متحده یکی از چهار کشوری بود که رأی منفی به این بیانیه دادند.

- ایالات متحده نزدیک به ۵۰ سال تحریم مالی، تجاری و اقتصادی خود را علیه کوبا ادامه داده است. وزیر امور خارجه کوبا اعلام داشته است که تحریم آمریکا علیه کوبا صدمه اقتصادی بزرگی - مجموعاً ۹۳ میلیارد دلار آمریکا - بر اقتصاد این کشور وارد کرده است. از هر ۱۰ نفر کوبایی ۷ نفر کل زندگی خودشان را تحت تأثیر تحریم ایالات متحده می‌گذرانند.^۱

- کمک‌های بشردوستانه ایالات متحده تحت‌الشعاع موقعیت این کشور به‌عنوان ثروتمندترین کشور جهان است. طبق گزارش یک سازمان غیرانتفاعی در اسپانیا، ایالات متحده در لیست کشورهایایی قرار دارد که در اعطای کمک‌های بشردوستانه غیرتعصبی، عادلانه و مستقل به کشورهای دیگر، بدترین سابقه‌ها را دارند. کمک‌های ایالات متحده به کشورهای دیگر همواره در راستای اهداف سیاسی و نظامی خود ایالات متحده است.

۳. مداخلات نظامی آمریکا در جهان^۲

۳-۱. مداخلات نظامی در خلال سال‌های ۱۹۴۵ - ۱۹۵۰

۱۹۴۵-۱۹۴۹: اشغال بخشی از آلمان.

۱۹۴۵-۱۹۵۵: اشغال بخشی از اتریش.

1. Overwhelming International Rejection of U.S. Blockade of Cuba at UN, www.Cubanews.ain.cu

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد لیست مداخلات آمریکا در جهان نک:

History of U.S. Military Intervention Since 1980, <http://academic.evergreen.edu>



۱۹۴۵-۱۹۴۶: اشغال بخشی از ایتالیا.

۱۹۴۵-۱۹۵۲: اشغال ژاپن.

۱۹۴۵-۱۹۴۶: اشغال مجدد موقتی فیلیپین برای کمک به استقلال این سرزمین.

۱۹۴۵-۱۹۴۹: اشغال کره جنوبی.

۱۹۴۶: ایتالیا - در پی تیراندازی نیروهای یوگسلاو به سوی واحد ترابری غیرنظامی آمریکا، هری ترومن رئیس‌جمهور آمریکا دستور داد نیروهای آمریکایی در خط اشغالی مرز مشترک ایتالیا و یوگسلاوی آمریکا افزایش یابد.

۱۹۴۸: فلسطین - گارد ساحلی برای حفاظت از کنسولگری آمریکا به بیت‌المقدس اعزام شد.

۱۹۴۸-۱۹۴۹: برلین - برقراری خط هوایی برلین برای کمک‌رسانی به بخش غربی برلین در پی برقراری محاصره این شهر از سوی نیروهای ارتش سرخ اتحاد شوروی.

۱۹۴۸-۱۹۴۹: چین - اعزام نیروهای تفنگدار دریایی آمریکا به شهر پکن برای حفاظت از سفارت آمریکا در این شهر در پی وقوع انقلاب کمونیستی چین.

۲-۳. مداخلات نظامی در خلال سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۵۹

۱۹۵۰-۱۹۵۳: جنگ کره - اعزام نیروهای آمریکایی در چارچوب نیروهای سازمان ملل متحد به منظور دفاع از بخش جنوبی شبه‌جزیره کره در مقابل نیروهای کمونیست کره شمالی و چین. در این جنگ بیش از ۳۶ هزار سرباز آمریکایی کشته شدند.

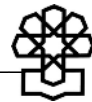
۱۹۵۰-۱۹۵۵: تایوان - در ژوئن ۱۹۵۰ هری ترومن رئیس‌جمهور آمریکا دستور داد ناوگان هفتم آمریکا در میان جزیره تایوان و خاک اصلی چین مستقر شود تا از این طریق مانع حمله احتمالی کمونیست‌ها به این جزیره شوند.

۱۹۵۴-۱۹۵۵: چین - نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا، شهروندان و نظامیان این کشور را از خاک چین تخلیه کردند.

۱۹۵۵-۱۹۶۴: ویتنام - نخستین مشاوران نظامی آمریکا در ۱۲ فوریه ۱۹۵۵ راهی ویتنام شدند. تا ۱۹۶۴، تعداد نظامیان آمریکایی در ویتنام به ۲۱ هزار تن رسید. در ۷ اوت ۱۹۶۴ کنگره آمریکا قطعنامه خلیج تونکن را به تصویب رساند که رئیس‌جمهوری آمریکا اجازه داد در صورت لزوم اقدامات ضروری را برای حفاظت از کشورهای عضو سیتو به عمل آورد.

۱۹۵۶ مصر - یک ناو نیروی دریایی آمریکا، شهروندان آمریکایی را در خلال جنگ سوئز از شهر اسکندریه تخلیه کرد.

۱۹۵۸ لبنان - در جریان بحران ۱۹۵۸ لبنان، نیروهای تفنگدار دریایی آمریکا به بهانه دعوت کامل



شمعون از آنان وارد این کشور شدند. کنگره ایالات متحده آمریکا از این اقدام حمایت کرد و این الگو بعدها در دیگر مناطق جهان نیز به مرحله اجرا گذاشته شد.

۳-۳. مداخلات نظامی در خلال سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۶۹

۱۹۵۹-۱۹۶۰: کارائیب- نیروهای تفنگدار دریایی آمریکا به بهانه حفاظت از شهروندان آمریکایی در جریان انقلاب کوبا در این کشور عملیات انجام دادند.

۱۹۶۲ تایلند- در ۱۷ مه ۱۹۶۲، واحد ویژه نیروهای تفنگدار دریایی آمریکا به بهانه حمایت از این کشور در مقابل تهدید کمونیست‌ها از خارج، وارد تایلند شدند.

۱۹۶۲ کوبا- در ۲۲ اکتبر، در جریان بحران موشکی کوبا، جان کندی رئیس‌جمهور آمریکا فرمان محاصره دریایی کوبا برای جلوگیری از حرکت کشتی‌های اتحاد شوروی به سوی این کشور را صادر کرد.

۱۹۶۲-۱۹۷۵: لائوس- از اکتبر ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۵، آمریکا از دولت ضد کمونیست لائوس حمایت نظامی کرد.

۱۹۶۴ کنگو (زئیر)- آمریکا ۴ فروند هواپیمای حمل‌ونقل را برای جابجایی نیروهای کنگویی در جریان شورش‌ها در این کشور اعزام کرد.

۱۹۵۹-۱۹۷۵: جنگ ویتنام- تعداد مشاوران نظامی آمریکا در ویتنام جنوبی افزایش یافت. در اوت ۱۹۶۴ در جریان ماجرای خلیج تونکن، آمریکا وارد جنگ رسمی با نیروهای ویتنام شمالی شد. تا سال ۱۹۶۹، تعداد نظامیان آمریکایی در ویتنام به ۵۴۳ هزار نفر رسید.

۱۹۶۹: جمهوری دومینیکن- آمریکا به بهانه حفاظت از جان شهروندان آمریکایی در جمهوری دومینیکن، ۲۰ هزار نیروی نظامی را گسیل داشت تا از فروافتادن این کشور به دامن کمونیسم جلوگیری کند.

۱۹۶۹: کنگو (زئیر)- آمریکا ۳ هواپیمای حمل‌ونقل نظامی را برای جابجایی نیروهای عمل‌کننده علیه شورشیان به این کشور اعزام کرد.

۱۹۶۸: لائوس و کامبوج- آمریکا بمباران مخفیانه این دو کشور را برای نابودی نیروهای ویتنام شمالی آغاز کرد. این عملیات دو سال ادامه یافت. نام این عملیات Operation Command Hunt بود.

۳-۴. مداخلات نظامی در خلال سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۷۹

۱۹۷۰: کامبوج- نیروهای آمریکایی برای پاکسازی مناطق شرقی کامبوج از حضور نیروهای ویتنام شمالی وارد این کشور شدند.



۱۹۷۱: شبه‌قاره هند- اعزام ناو هواپیمابر اینترپرایز به اقیانوس هند با هدف حمایت از جنگ استقلال بنگلادش.

۱۹۷۴: قبرس- آمریکا، شهروندان آمریکایی را در جریان درگیری ترک‌ها و یونانیان قبرس از این جزیره خارج کردند.

۱۹۷۵: ویتنام- در ۳ آوریل ۱۹۷۵، جرال د فورده رئیس‌جمهور آمریکا به نیروی دریایی آمریکا دستور داد آوارگان و شهروندان آمریکایی را از ویتنام خارج کنند.

۱۹۷۵: ویتنام جنوبی- در ۳۰ آوریل ۱۹۷۵، جرال د فورده رئیس‌جمهور آمریکا دستور داد ۱۴۰۰ شهروند آمریکایی و ۵۵۰۰ شهروند ویتنامی را به همراه خانواده‌هایشان از فراز سفارت آمریکا در سایگون خارج کنند.

۱۹۷۵: کامبوج- در ۱۵ مه، جرال د فورده رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که به نیروهای نظامی آمریکا دستور داده قایق آمریکایی با نام SS Mayaguez را که توسط کامبوجی‌ها تصرف شده بود، بازپس گیرند.

۱۹۷۶: لبنان- در ۲۲ و ۲۳ ژوئیه، هلیکوپترهای آمریکایی حدود ۲۵۰ آمریکایی و اروپایی را در جریان نیروهای داخلی در این کشور تخلیه کردند.

۱۹۷۶: کره- نیروهای بیشتری در پی کشته شدن ۲ سرباز آمریکایی توسط نظامیان کره شمالی به کره جنوبی اعزام شدند. این دو سرباز به دلیل قطع درخت در منطقه غیرنظامی میان دو کره کشته شدند.

۱۹۷۸: زئیر (کنگو)- از ۱۹ مه تا اواسط ژوئن، هواپیماهای نظامی حمل‌ونقل آمریکایی برای کمک به نیروهای بلژیکی و فرانسوی عمل‌کننده در زئیر به این کشور اعزام شدند.

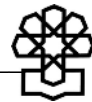
۳-۵. مداخلات نظامی در خلال سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۰

۱۹۸۰: ایران- در ۲۶ آوریل، جیمی کارتر رئیس‌جمهور آمریکا دستور داد با اجرای عملیات Operation Eagle Claw، گروگان‌های آمریکایی در تهران آزاد شوند. این عملیات در طبرس شکست خورد.

۱۹۸۱: السالوادور- در پی تشدید حملات چریک‌های ضد دولتی، مشاوران نظامی آمریکا برای آموزش ارتش السالوادور به این کشور اعزام شدند.

۱۹۸۱: لیبی- در ۱۹ اوت ۱۹۸۱، هواپیماهای آمریکایی که از ناو هواپیمابر نیمیتس به پرواز درآمده بودند، به سوی ۲ فروند هواپیمای جنگنده لیبی شلیک کردند. این ماجرا تحت عنوان «حادثه نخست خلیج سیدرت» معروف شد.

۱۹۸۲: لبنان- در ۲۱ اوت رونالد ریگان رئیس‌جمهور آمریکا گزارش داد ۸۰ تفنگدار دریایی برای کمک به نیروهای چندملیتی در لبنان به این کشور اعزام شده‌اند.



۱۹۸۲-۱۹۸۳: لبنان - در ۲۹ سپتامبر، رونالد ریگان رئیس‌جمهور آمریکا گزارش داد ۱۲۰۰ تفنگدار دریایی برای کمک به نیروهای چندملیتی در لبنان به این کشور اعزام شده‌اند. در ۲۹ سپتامبر سال ۱۹۸۳، کنگره آمریکا قطعنامه نیروهای چندملیتی در لبنان را به تصویب رساند که براساس آن فعالیت این نیروها برای ۱۸ ماه بعد تمدید شد.

۱۹۸۳: مصر - در پی بمباران هوایی مناطقی از خاک سودان توسط هواپیماهای لیبی، آمریکا امکانات الکترونیکی هواپیمای آواکس را در اختیار مصر و سودان قرار داد.

۱۹۸۳: گرانادا - با هدف جلوگیری از روی کارآمدن حکومت کمونیستی در گرانادا، آمریکا عملیات کودتا و اشغال این کشور را تحت نام Operation Urgent Fury به مورد اجرا گذاشت.

۱۹۸۳-۱۹۸۹: هندوراس - در ژوئیه ۱۹۸۳، آمریکا، آموزش نظامیان هندوراس را برای جنگ با دولت نیکاراگوئه آغاز کرد. در ۲۵ مارس ۱۹۸۶، هلیکوپترهای نظامی آمریکا، نظامیان هندوراسی را به مرز این کشور با نیکاراگوئه منتقل کردند.

۱۹۸۳: چاد - در ۸ اوت، رونالد ریگان رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا گزارش داد که هواپیماهای آواکس و ۸ فروند هواپیمای F-۱۵ به همراه نیروهای لجستیکی زمینی به دولت چاد در مقابل حمله ارتش لیبی کمک کرده‌اند.

۱۹۸۴: خلیج فارس - در ۵ ژوئن هواپیماهای آواکس آمریکا به هواپیماهای جنگی عربستان سعودی کمک کردند تا به هواپیماهای ایرانی شلیک کنند.

۱۹۸۵: ایتالیا - در ۱۰ اکتبر، هواپیماهای نیروی دریایی آمریکا یک فروند هواپیمای مسافربری ربنده شد مصر را در جزیره سیسیل مجبور به فرود کرد.

۱۹۸۶: لیبی - در ۱۶ آوریل، رونالد ریگان رئیس‌جمهور آمریکا گزارش داد که نیروی هوایی و دریایی آمریکا، مراکز آموزش‌های تروریستی را در تریپولی، پایتخت لیبی بمباران کردند. این عملیات در پاسخ به انفجار در یک کلوپ شبانه آلمانی صورت گرفت که طی آن ۲ سرباز آمریکایی کشته شدند. نام این عملیات Operation Eldorado Canyon بود.

۱۹۸۶: بولیوی - هواپیماها و سربازان آمریکایی در عملیات مبارزه با مواد مخدر در بولیوی شرکت کردند.

۱۹۸۷-۱۹۸۸: خلیج فارس - در پی اوج‌گیری جنگ میان ایران و عراق، آمریکا برنامه انتقال نفتکش‌ها تحت پرچم این کشور را آغاز کرد. نام این عملیات، عملیات اراده جدی بود. رونالد ریگان رئیس‌جمهور آمریکا گزارش داد که کشتی‌های آمریکایی به‌سوی قایق‌های ایرانی در ۲۱ سپتامبر و در روزهای ۸ اکتبر، ۱۹ اکتبر ۱۹۸۶ شلیک نمود و در ۱۸ آوریل ۱۹۸۷ ناوچه سه‌سند را غرق کردند. نام این عملیات آخوندک Praying Mantis بود.



۱۹۸۷-۱۹۸۸: **خلیج فارس** - در جریان عملیات Operation Earnest Will ناوگان دریایی آمریکا، کار حفاظت از تانک‌های نفتکش کویتی را آغاز کردند. این عملیات، بزرگ‌ترین عملیات کاروان نیروی دریایی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم بود.

۱۹۸۸: **خلیج فارس** - عملیات آخوندک Operation Praying Mantis آغاز شد.

۱۹۸۸: **هندوراس** - عملیات امدادرسانی اضطراری به دولت هندوراس با نام Operation Gold Pheasant برای مقابله با حملات ارتش نیکاراگوئه به کشور هندوراس آغاز شد.

۱۹۸۸: **خلیج فارس** - ناو آمریکایی وینسنس . هواپیمای مسافربری خط هوایی ۶۵۵ ایران را با ۲۹۰ مسافر و خدمه پرواز سرنگون کرد.

۱۹۸۸: **پاناما** - از اواسط مارس و آوریل ۱۹۸۸، نظامیان آمریکایی برای فشار بر مانوئل نوریگا، رئیس‌جمهوری پاناما وارد این کشور شدند. نام این عملیات Operation Just Cause بود. هزار نظامی آمریکا از پشتیبانی ۱۰ هزار نظامی دیگر مستقر در منطقه کانال پاناما، برخوردار شدند.

۱۹۸۹: **لیبی** - در ۴ ژانویه، ۲ فروند هواپیمایی ۱۴-f که از فراز ناو هواپیمابر جان اف کندی به پرواز در آمده بودند، ۲ فروند هواپیمای جنگی لیبی را سرنگون کردند، این حادثه به نام «دومین حادثه خلیج سیدرت» لقب گرفت.

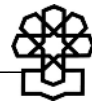
۱۹۸۹: **پاناما** - در ۱۱ مه، در پی مخالفت مانوئل نوریگا با نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری در پاناما، جورج هربرت واکر بوش رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا دستور داد ۱۹۰۰ سرباز دیگر به تعداد ۱۱ هزار نظامی آمریکا در منطقه اضافه شود.

۱۹۸۹: **کلمبیا، بولیوی و پرو** - در ۱۵ سپتامبر، جورج هربرت واکر بوش رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که نظامیان آمریکایی در جنگ کشورهای حوزه آند با قاچاقچیان مواد مخدر شرکت می‌کنند. تا اواسط سپتامبر، ۵۰ تا ۱۰۰ مشاور نظامی آمریکا راهی کلمبیا شدند.

۱۹۸۹: **فیلیپین** - در ۲ دسامبر، جورج هربرت واکر بوش رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا گزارش داد که نظامیان آمریکایی مستقر در پایگاه هوایی کلارک در روز اول دسامبر به دولت آکینو در شکست یک کودتا کمک کرده‌اند. همزمان ۱۰۰ سرباز نیروی دریایی از پایگاه دریایی سویک برای حفاظت از سفارت آمریکا در مانیل به این مقر اعزام شدند.

۱۹۸۹-۱۹۹۰: **پاناما** - در ۲۱ دسامبر، عملیات اشغال پاناما شروع شد. نام این عملیات Operation Just Cause بود. در پی این اقدام مانوئل نوریگا رئیس‌جمهور پاناما سرنگون شد تا ۱۳ فوریه ۱۹۹۰، نظامیان آمریکایی از پاناما خارج شدند.

۱۹۹۰: **لیبریا** - در ۶ اوت، جورج هربرت واکر بوش رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که تعدادی از نظامیان آمریکایی برای حفاظت از سفارت آمریکا، راهی مونرویا شده‌اند.



۱۹۹۰: عربستان سعودی - در ۹ اوت، جورج هربرت واکر بوش رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد دستور داده است تا نظامیان آمریکایی برای حفاظت از عربستان در پی حمله عراق به کویت (اشغال کویت)، به عربستان نیرو اعزام کرده‌است.

۳-۶. مداخلات نظامی در خلال سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۰۰

۱۹۹۱: خلیج فارس - در ۱۶ ژانویه، عملیات توفان صحرا^۱ با حمله به عراق و با هدف آزادسازی کویت آغاز شد. این عملیات در ۲۸ فوریه پایان یافت.

۱۹۹۱: عراق - در ۱۷ مه، جورج هربرت واکر بوش رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که برای نجات کردهای عراقی، عملیات امدادرسانی به این منطقه را آغاز کرده است.

۱۹۹۱: ژنر - در ۲۵-۲۷ سپتامبر، در پی هرج و مرج و غارت در کینشازا، هواپیماهای ترابری نظامی آمریکا، ۱۰۰ نیروی بلژیکی را به کینشازا منتقل کردند. هواپیماهای آمریکایی همچنین نیروهای فرانسوی به جمهوری آفریقای مرکزی منتقل و شهروندان آمریکایی را از این کشور تخلیه کردند.

۱۹۹۱-۱۹۹۶: عراق - ارسال کمک‌های بشردوستانه به کردهای عراقی در عملیات Operation Provide Comfort.

۱۹۹۲: سیرالئون - در ۳ مه، هواپیماهای آمریکایی، شهروندان این کشور را از سیرالئون خارج کردند.

۱۹۹۲: کویت - در ۳ اوت، ایالات متحده برپایی دوره‌های آموزش نظامی را در کویت آغاز کرد تا عراق را به همکاری با سازمان ملل متحد و به رسمیت شناختن مرز کویت وادار نماید.

۱۹۹۲-۲۰۰۴: عراق - آمریکا عملیات منطقه پرواز ممنوع را در عراق آغاز کرد. هدف از این عملیات، بازداشتن صدام حسین از حمله مجدد به مناطق کردنشین شمال بود.

۱۹۹۲-۱۹۹۵: سومالی - در ۱۰ دسامبر ۱۹۹۲، جورج هربرت واکر بوش رئیس‌جمهور آمریکا گزارش داد که دستور داده است نیروهای آمریکایی برای کمک به امور خدمات‌رسانی در جریان بحران داخلی سومالی از کاروان‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد حفاظت نمایند. عملیات بازگشت امید^۲ در ۴ مه، ۱۹۹۳ پایان یافت.

۱۹۹۳: بوسنی هرزگوین - حضور در نیروهای حافظ صلح بین‌المللی.

۱۹۹۳: مقدونیه - در ۹ ژوئیه، بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا گزارش داد که ۳۵۰ سرباز آمریکایی برای کمک به برقراری ثبات در جمهوری مقدونیه، به این کشور اعزام شده‌اند.

۱۹۹۳-۱۹۹۵: هائیتی - کشتی‌های آمریکایی به همراه ۲۰ هزار سرباز به آب‌های هائیتی اعزام شدند تا بر تحریم این کشور نظارت کنند. نام این عملیات Operation Uphold Democracy بود.

1. Operation Desert Stormly
2. Operation Restore Hope



۱۹۹۴: مقدونیه - در ۱۹ آوریل، بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا گزارش داد که نیروهای آمریکایی مستقر در مقدونیه با ۲۰۰ سرباز دیگر تقویت می‌شوند.

۱۹۹۵: بوسنی هرزگوین - ناتو در عملیاتی با نام Operation Deliberate Force بمباران صرب‌های بوسنی را آغاز کرد.

۱۹۹۶: لیبیا - در ۱۱ آوریل، بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا گزارش داد که در ۹ آوریل دستور خارج کردن شهروندان آمریکایی از لیبیا را به ارتش آمریکا صادر کرده‌است.

۱۹۹۶: جمهوری آفریقای مرکزی - در ۲۳ مه، بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا گزارش داد که ارتش کار خروج شهروندان آمریکایی از بانگویی و حفاظت از سفارت آمریکا در این شهر (پایتخت جمهوری آفریقای مرکزی) را آغاز کرده‌است.

۱۹۹۷: آلبانی - در ۱۳ مارس نظامیان آمریکایی، کار تخلیه شهروندان آمریکایی از تیرانا را آغاز کردند.

۱۹۹۷: کنگو و گامبیا - در ۲۷ مارس، بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا گزارش داد در ۲۵ مارس، نیروهای آمریکایی، شهروندان این کشور در کنگو و گامبیا را خارج کرده‌است.

۱۹۹۷: سیرالئون - در ۲۹ و ۳۰ مه، نظامیان آمریکایی وارد فری‌تاون پایتخت سیرالئون شدند که بر روند تخلیه شهروندان آمریکایی نظارت کنند.

۱۹۹۷: کامبوج - در ۱۱ ژوئن، نیروهای ویژه برای نظارت بر خروج اتباع آمریکایی از کامبوج، در پایگاه هوایی یوتاپو^۱ در تایلند مستقر شدند.

۱۹۹۸: عراق - بمباران هوایی عراق.

۱۹۹۸: گینه بیسائو - در ۱۰ ژوئن، در پی بروز جنگ داخلی، بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا دستور داد نیروهای آمریکایی در داکا پایتخت سنگال مستقر شدند و برای تخلیه اتباع آمریکایی در حالت آماده باش قرار گیرند.

۱۹۹۸-۱۹۹۹: کنیا و تانزانیا - نیروهای آمریکایی به نایروبی در کنیا اعزام شدند که به درمان مجروحان حادثه انفجار سفارت آمریکا در کنیا و تانزانیا کمک کنند.

۱۹۹۸: افغانستان و سودان - در ۲۰ اوت، حملات موشکی آمریکا به افغانستان و سودان با عملیات Operation Infinite Reach آغاز شد.

۱۹۹۸: لیبیا - در ۲۷ سپتامبر، نظامیان آمریکایی برای تخلیه ۳۰ تبعه آمریکا در لیبیا به حال آماده باش درآمدند.

۱۹۹۹-۲۰۰۱: تیمور شرقی - تعدادی از نظامیان آمریکایی در قالب نیروهای سازمان ملل متحد به تیمور شرقی اعزام شدند.

1. Utapo



۱۹۹۹: کوزوو - بمباران صربستان توسط نیروهای ناتو در عملیاتی به نام Operation Allied Force آغاز شد.

۷-۳. مداخلات نظامی از سال ۲۰۰۰ تاکنون

۲۰۰۰: سیرالئون - در ۱۲ مه، بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا گزارش داد که به نیروی دریایی آمریکا دستور داده به سواحل سیرالئون نزدیک شوند و در صورت لزوم برای تخلیه اتباع آمریکایی وارد این کشور شوند.

۲۰۰۰: یمن - در ۱۴ اکتبر، بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا گزارش داد که در پی وقوع انفجار در ناو کول در ۱۲ اکتبر، مقامات یمنی به ارتش آمریکا اجازه داده‌اند که در عدن عملیاتی انجام دهند.

۲۰۰۱: افغانستان - در پی وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، آمریکا حمله به افغانستان را در ۷ اکتبر آغاز کردند، این عملیات Operation Enduring Freedom نام گرفت.

۲۰۰۲: یمن - در ۳ نوامبر، هواپیمای آمریکایی به سوی کاروان حامل رهبر القاعده در یمن Qaed Senyan al- Harthi شلیک کردند. گفته می‌شود که وی رهبری انفجار در ناو کول را برعهده داشته است.

۲۰۰۲: ساحل عاج - در ۲۵ سپتامبر، در پی اوج‌گیری جنگ داخلی در ساحل عاج، نیروهای آمریکایی برای کمک به تخلیه اتباع آمریکایی وارد این کشور شدند.

۲۰۰۳: عراق - در ۲۰ مارس، حمله آمریکا به عراق برای سرنگونی صدام حسین آغاز شد.

۲۰۰۳: لیبیا - در ۹ ژوئن، جرج واکر بوش رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد نظامیان آمریکایی را در ۸ ژوئن به مونرویا اعزام کرده تا شهروندان آمریکایی نظارت کنند.

۲۰۰۳: گرجستان و جیبوتی - نیروهای آمریکایی برای کمک به عملیات جنگ علیه تروریسم وارد گرجستان و جیبوتی شدند.

۲۰۰۴: هائیتی - نیروهای آمریکایی برای بازگرداندن دموکراسی و سرنگونی رئیس‌جمهور هائیتی برتراند آریستید،^۱ به این کشور اعزام شدند.

۲۰۰۶: پاکستان - در پی حمله هوایی آمریکا به منطقه‌ای در نزدیکی مرز پاکستان و افغانستان، ۱۷ نفر کشته شدند.

۲۰۰۶: لبنان - یگان‌های دریایی آمریکا، تخلیه اتباع آمریکایی در لبنان، در جریان جنگ ۳۳ روزه این کشور آغاز کردند.

۲۰۰۶: سومالی - در ۸ ژانویه هواپیماهای آمریکایی مواضع اسلامگرایان سومالیایی را که در حال



جنگ با نظامیان اتیوپی بودند، بمباران کردند.

۲۰۰۲-۲۰۱۱: افغانستان و پاکستان — در خلال سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ آمریکا با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین با ادعای حمله علیه القاعده به مداخله نظامی در افغانستان و پاکستان پرداخته و غیرنظامیان بیشماری را هدف قرار داده است.

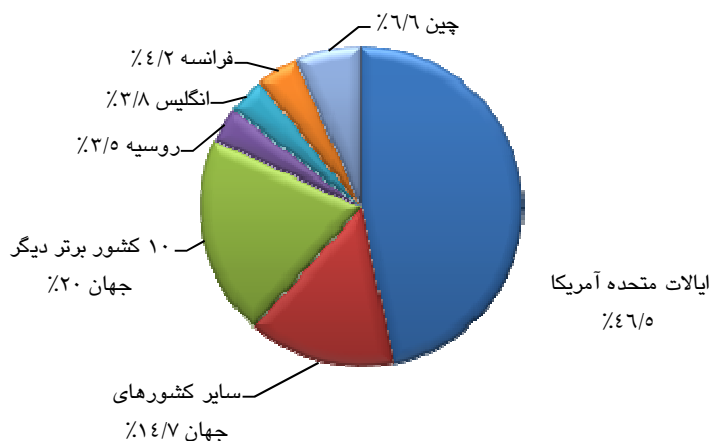
۲۰۱۱: لیبی — در مارس ۲۰۱۱ و در پی بروز انقلاب‌های مردمی در خاورمیانه بر ضد حکام دیکتاتور عرب، ایالات متحده با همکاری فرانسه و انگلیس حمله نظامی گسترده‌ای را از هوا بر ضد لیبی آغاز کردند. اگرچه قطعنامه ۱۹۷۳ سازمان ملل تنها مجوز استفاده از قوه قهریه برای دفاع از شهروندان لیبی را صادر کرده بود، اما این مداخله نظامی عملاً فراتر از این مجوز بود.

۴. اعتبارات و هزینه‌های مداخلات نظامی آمریکا

— آمریکا بالاترین سهم در هزینه نظامی جهان را برعهده دارد.

— هزینه‌های نظامی آمریکا برابر با ۴۶/۵ درصد از کل هزینه‌های نظامی جهان است (تقریباً نیمی از کل هزینه نظامی جهان).

نمودار ۱. سهم کشورهای جهان در هزینه‌های نظامی جهانی^۱



— هزینه‌های نظامی آمریکا ۷ برابر بیشتر از چین، ۱۳ برابر بیشتر از روسیه و ۷۳ برابر بیشتر از ایران است.

— هزینه‌های نظامی آمریکا ۴۴ برابر بیشتر از هزینه‌های ۶ کشور کوبا، ایران، لیبی، کره شمالی، سودان و روسیه است که آمریکا آنها را خطر و تهدید علیه صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی می‌داند.

1. Global Distribution of Military Expenditure in 2009, Sipri, 2010.



- هزینه های نظامی آمریکا حداقل بیش از ۱۴ کشور برتری است که به لحاظ هزینه نظامی پس از آن در جهان قرار دارند.

- با توجه به اینکه ۱۵ کشور برتر اقتصادی جهان ۸۲ درصد هزینه نظامی جهان را دارند، لذا اکثر هزینه های نظامی در آمریکای شمالی، اروپا و به طور فزاینده در آسیا در حال رشد است.

جدول ۱. هزینه های نظامی کشورهای جهان^۱

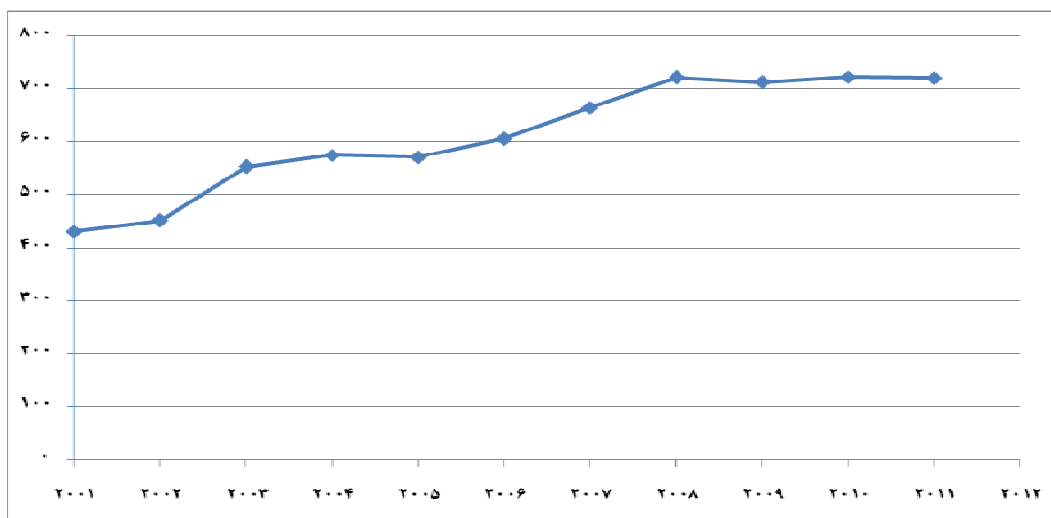
رتبه	کشور	دلار (میلیارد)	از مجموع (درصد)
۱	ایالات متحده آمریکا	۷۱۲	۴۶/۵۱
۲	چین	۱۰۰	۶/۵۳
۳	فرانسه	۶۳۰/۹	۴/۱۷
۴	انگلستان	۵۸/۳	۳/۸۱
۵	روسیه	۵۳/۵	۳/۴۸
۶	ژاپن	۵۱	۳/۳۳
۷	آلمان	۴۵/۵	۲/۹۸
۸	عربستان سعودی	۴۱/۲	۲/۶۹
۹	هندوستان	۳۶/۳	۲/۳۷
۱۰	ایتالیا	۳۵/۸	۲/۳۴
۱۱	برزیل	۲۶/۱	۱/۷۰
۱۲	کره جنوبی	۲۴/۱	۱/۵۷
۱۳	کانادا	۱۹/۲	۱/۲۵
۱۴	استرالیا	۱۹	۱/۲۴
۱۵	اسپانیا	۱۸/۳	۱/۲۰
۱۶	دیگر کشورها	۲۲۶/۹	۱۴/۸۲

- بحران مالی جهان در سال ۲۰۰۸ و مشکلات اقتصادی در جهان و به ویژه در آمریکا اگرچه سبب کاهش هزینه های سایر بخش های سیاسی و اقتصادی در بودجه آمریکا شد، اما در هزینه نظامی آمریکا همچنان افزایش رشد وجود داشت.

- جنگ با تروریسم و مداخلات نظامی آمریکا در افغانستان و عراق سبب افزایش هزینه های نظامی آمریکا شده است، اما باید توجه داشت که بودجه نظامی آمریکا از سال ۱۹۹۸ با افزایش سالیانه مضاعف مواجه بوده است.

- اگرچه جنگ سرد نزدیک به دو دهه قبل به پایان رسیده، اما دستور کار جدید مبارزه با تروریسم سبب شده است که در سال های اخیر هزینه های نظامی آمریکا به شدت افزایش یابد.

1. U.S. Spending: Laicie Olson, Growth in U.S. Defense Spending Since 2001, Center for Arms Control and Non-Proliferation, 11 March, 2011.

نمودار ۲. هزینه نظامی آمریکا از سال ۲۰۰۱ تاکنون^۱جدول ۲. هزینه‌های نظامی آمریکا از سال ۲۰۰۱ تاکنون^۲ (میلیارد دلار)

سال	بودجه دفاع ملی	بودجه مکمل جنگی	مجموع هزینه‌های نظامی
۲۰۱۱	۷۲۰	–	۷۲۰
۲۰۱۰	۶۸۹	۳۳	۷۲۲
۲۰۰۹	۵۷۲	۱۴۰	۷۱۲
۲۰۰۸	۵۴۷	۱۷۴	۷۲۱
۲۰۰۷	۴۹۹	۱۶۶	۶۶۵
۲۰۰۶	۴۸۹	۱۱۸	۶۰۷
۲۰۰۵	۴۶۴	۱۰۷	۵۷۱
۲۰۰۴	۵۰۳	۷۲	۵۷۵
۲۰۰۳	۴۶۹	۸۴	۵۵۳
۲۰۰۲	۴۳۶	۱۱۶	۴۵۲
۲۰۰۱	۴۱۱	۲۱	۴۳۲

- جنگ‌های افغانستان و عراق که به بهانه مبارزه با تروریسم شکل گرفته جایگاه مهمی در افزایش بودجه نظامی آمریکا داشته‌اند و در این میان براساس آمارهای موجود مجموع هزینه‌های مداخلات نظامی آمریکا در عراق و افغانستان و هزینه‌هایی که به منظور گسترش امنیت پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۰ انجام داده است بالغ بر ۱/۱۲۱ میلیارد دلار است که در این میان، ۷۵۱ میلیارد دلار آن برای عراق و ۳۳۶ میلیارد دلار آن برای افغانستان بوده است.

1. U.S. Military Expenditure Since 2001, Center for Arms Control and Non-Proliferation, May, 2010.

2. Estimated War Funding by Operation: February 2001-2011, War Request, the Cost of Iraq, Afghanistan, and Other Global War on Terror Operation Since 9/11, CRS, 2 September, 2011.

جدول ۳. بودجه عملیات‌های نظامی آمریکا در خلال سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۱۱ در عراق و افغانستان^۱

عملیات‌های نظامی	سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
عراق	۰	۵۳	۷۵	۸۵/۵	۱۰۱/۶	۱۳۱/۲	۱۴۲/۱	۹۵/۵	۶۵/۹	۵۱/۱
افغانستان	۲۰/۸	۱۴/۷	۱۴/۵	۲۰	۱۹	۳۹/۲	۴۳/۵	۵۹/۵	۱۰۴/۹	۱۱۹/۴
میزان تغییر سالیانه	-	٪۱۴۰	۱۶	٪۱۴	٪۱۳	٪۴۱	٪۹	٪۱۶-	٪۱۰	٪۰
میزان تغییر به نسبت سال ۲۰۰۳	-	-	۱۶	٪۳۳	٪۵۰	٪۱۱۰	٪۱۲۹	٪۹۱	٪۱۱۱	۱۱۰٪

۵. پیشینه مداخلات و خصومت‌های آمریکا در قبال ایران و موارد نقض حقوق بشر توسط آمریکا در ایران

۵-۱. سابقه مداخلات آمریکا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران

۵-۱-۱. دخالت در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

اجرای کودتای ۲۸ مرداد نقطه آغاز دخالت‌های مستقیم و وسیع آمریکا در امور ایران است. در سال ۱۳۳۲ دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر ایران از طریق کودتایی که توسط سازمان سیا سازماندهی و تأمین مالی شد سرنگون شد. این کودتا و حمایت گسترده آمریکا از شاه در سال‌های بعد عامل ادامه حکومت ستمگرانه محمدرضا شاه بوده است. کودتا با دخالت مستقیم آمریکایی‌ها به پیروزی رسید و محمدرضا پهلوی به کشور بازگشت. این کودتا نمونه تمام عیاری است از مداخله آمریکا در امور داخلی کشورهای دیگر که در تاریخ به ثبت رسید.

۵-۱-۲. نقش آمریکا در تشکیل و تقویت ساواک

حکومت آیزنهاور به عنوان بخشی از استراتژی خود مبنی بر تقویت حکومت‌های ضد شوروی در پیرامون چین و شوروی و دیگر نقاط جهان سوم، در اواسط دهه ۱۳۴۰ دست به تلاش گسترده‌ای برای آموزش و تجهیز نیروهای شبه‌نظامی، پلیس و سازمان‌های اطلاعاتی در کشورهای دوست آمریکا در جهان سوم، از جمله ایران زد. در ایران، سه سازمان که با امنیت داخلی سروکار داشتند، کمک‌های شایان توجهی از این دست دریافت کردند: ژاندارمری، شهربانی و دستگاه اطلاعاتی که در اواخر سال ۱۳۳۲ زیر نظر تیمور بختیار تأسیس و پس از مدت کوتاهی به ساواک تبدیل شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، یک سرهنگ ارتش آمریکا که به مدت چندسال در خاورمیانه برای سیا کار کرده بود، تحت پوشش وابسته نظامی، به ایران فرستاده شد. مأموریت وی آن بود که یک یگان اطلاعاتی نوین را سازمان داده و رهبری کند که در آن زمان تحت سرپرستی فرمانداری نظامی

1. Ibid.



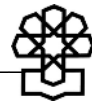
تهران تأسیس شد و در دسامبر ۱۹۵۳ (آذر ماه ۱۳۳۲) زیر نظر فرماندهی تیمور بختیار قرار گرفته بود. سرهنگ مزبور اعضای این یگان را در زمینه تاکتیک‌های اطلاعاتی و روش‌های بازجویی و تعقیب و مراقبت و ... هدایت کرده و آموزش داد. وظیفه اصلی این یگان اطلاعاتی، کشف و خنثی کردن همه تهدیداتی بود که متوجه شاه و حکومتش می‌شد. ملاحظات امنیتی آمریکا، ایالات متحده را وادار می‌کرد که در سیاست خود در قبال ایران در دوره حکومت شاه، بیش از هر چیز به تقویت نیروهای امنیتی ایران بپردازد. کمک‌های امنیتی فراوانی در اختیار ایران بگذارد و از جمله ساواک را با آموزش‌های گسترده و کمک‌های دیگر یاری دهد.

ساواک براساس طرح آمریکایی‌ها و با کمک سیا به وجود آمد. بعد از تشکیل ساواک نیروهای سیا به ساواک آمدند و کارکنان و مسئولان آن را آموزش دادند. ساواک نیز در آمریکا نماینده داشت و به عنوان یکی از اعضای نمایندگی ایران در سازمان ملل در آمریکا فعالیت می‌کرد. این دو سازمان همچنین اخبار و اطلاعات لازم را به یکدیگر می‌دادند. در دهه ۱۹۵۰ روابط آنها بیشتر شد. در سال ۱۳۵۲ سیا مرکز فرماندهی خود در خاورمیانه را به ایران منتقل کرد. به این ترتیب سیا حضور خود را در ایران افزایش داد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و اشغال لانه جاسوسی آمریکا ارتباط گسترده سیا و ساواک و نیز دخالت سیا و آمریکا در امور کشور آشکار شد.^۱

۳-۱-۵. حمایت از اقدامات رژیم شاه در سرکوب مردم

رژیم پهلوی، که به واسطه فساد گسترده در میان سران حکومت و درباریان، مخالفت با اعتقادات مردم و حرکت در جهت محو اسلام و برقراری جو سانسور و اختناق و محو آزادی‌های سیاسی، اقدام به سرکوب مردم می‌کرد، در انجام جنایات خود همیشه به حمایت‌های رؤسای جمهور آمریکا متکی بود. البته جان‌افکندی در سال ۱۳۳۹ درصد بود تا با انجام اقدامات اصلاحات اجتماعی، از بروز انقلاب در کشورهای جهان سوم جلوگیری کند و بدین وسیله وضعیت سیاسی کشورهای دست‌نشانده را همچنان حفظ کند. تأکید شدید بر اقدامات ضدشورش و کنترل پلیس بر اوضاع داخلی، شاهدهی بر این مدعاست. کندی و مشاوران او معتقد بودند که بهترین راه مبارزه با کمونیسم، ترکیب کردن اصلاحات با عملیات سرکوبی است و به همین خاطر هنگامی که هزاران نفر از مردم ایران در تظاهرات پانزده خرداد ۱۳۴۲ به دست رژیم شاه به خاک و خون کشیده شدند، دولت آمریکا با بر چسب «ارتجاعی» این تظاهرات را محکوم و از برنامه‌های شاه حمایت کرد، اما همین که کندی در اول آذر ماه ۱۳۴۲ به قتل رسید و لیندون جانسون معاونش زمام امور را در دست گرفت، یکبارہ سیاست آمریکا تغییر کرد و همه ملاحظات قبلی کنار گذاشته شد. رئیس‌جمهور جدید بلافاصله طرحی را تصویب کرد که به

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد نقش آمریکا در تشکیل و تقویت ساواک نک: تقی نجاری، ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸ و مظفر شاهی، سیا، ساواک و سفارت آمریکا، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.



موجب آن ایران می توانست دویست میلیون دلار جنگ افزار آمریکایی خریداری کند. جانسون علاوه بر حمایت از برنامه انقلاب سفید شاه، از برخورد خشونت آمیز با تظاهرات سال ۱۳۴۲ نیز حمایت کرد. برای او، شخص شاه، حافظ منافع آمریکا به حساب می آمد. جانسون و مشاوران او حتی خشونت های اعمال شده را کافی نمی دانستند و معتقد بودند که شاه باید با خشونت بیشتری مخالفان را سرکوب کند و آمریکا نیز باید تا آخر پشتیبان وی باشد. پس از جانسون نیز با روی کار آمدن ریچارد نیکسون دور جدیدی از مناسبات صمیمانه و بسیار نزدیک میان شاه و دولت آمریکا آغاز گشت. نیکسون چند ماه قبل از انتخابات به تهران سفر و با شاه دیدار کرده بود. ظاهراً وی وعده هایی درباره ارسال جنگ افزارهای آمریکایی به دوست قدیمی خود داده بود. نیکسون در تمام طول دوران ریاست جمهوری، با سرازیر کردن سیل تسلیحات و مستشاران آمریکایی به ایران، شاه را در اعمال سرکوب گرانه اش همواره به طور کامل مورد حمایت قرار می داد. در این دوران است که ریچارد هلمز رئیس سابق سازمان سیا به عنوان سفیرکبیر آمریکا در ایران معین می شود و همکاری های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا و ایران به اوج خود می رسد و با تقویت پایگاه سیا در ایران، تهران به عنوان پایگاه مرکزی سازمان سیا در خاورمیانه انتخاب می شود. این دوران مصادف است با دستگیری های گسترده مخالفین رژیم شاه و اعدام ها و شکنجه های بسیار گسترده در زندان های ایران و سرکوب وحشیانه هرگونه اعتراض مردمی، اما هیچ گونه عکس العمل و مخالفتی از سوی دولت آمریکا در برابر این حوادث مشاهده نمی شود.

پس از شروع تظاهرات گسترده مردم در سال ۱۳۵۶ و تشدید و گسترش آن در سال ۱۳۵۷، بنا بر متن یک سند سرّی سفارت آمریکا، آمریکایی ها به رژیم شاه چنین خط می دهند: شاه و حکومت لازم است تا امتیازات به موقع و کاملاً مشخص را با اقدامات عاقلانه برخوردار از حاکمیت کافی و قوه قهریه توأم نمایند تا آنهایی که ارفاق را با ضعف یکسان می دانند و باز هم بیشتر رژیم را به مبارزه می طلبند، ترسانده شوند. برژینسکی (مشاور امنیت ملی کارتر) نیز که طرفدار اعمال خشونت برای سرکوب مخالفین شاه بود، از شاه خواسته بود که برای سرکوب شورش های خیابانی از زور استفاده کند. شاه نیز که همواره به توصیه های اربابان آمریکایی به خوبی گوش فرا می داد شروع به سرکوب وحشیانه تظاهرات مردم ایران نمود. روز یکشنبه ۱۹ شهریورماه ۱۳۵۷، یعنی دو روز پس از تظاهرات خونین میدان ژاله، کارتر به شاه تلفن کرد و دوستی و حمایت شخصی خود و دولت آمریکا را به وی خاطرنشان ساخت و آرزوی توفیق شاه را در انجام اصلاحات و آزادی بخشی به ملت ایران خواستار شد. این تلفن حمایت آمیز کارتر بعد از کشتار ۱۷ شهریورماه ۱۳۵۷، قوت قلب جدیدی را برای دور مجددی از کشتار در شاه ایجاد کرد. سایروس ونس (وزیر امور خارجه دولت کارتر) در توجیه این مطلب گفته بود: از نظر بین المللی، منافع آمریکا ایجاب می کرد که ما با تمام قوا



از شاه حمایت کنیم. این حمایت‌ها نقش مهمی در تداوم اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم شاه بر ضد مردم داشت.^۱

۴-۱-۵. مداخله مستقیم در همه امور ایران

تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، عملکرد رژیم شاه ایران را به یک کشور وابسته به آمریکا تبدیل کرده بود. این وابستگی به اندازه‌ای بود که برخی محققان همچون گازیوروسکی حکومت ایران را حکومت دست‌نشانده آمریکا معرفی کرده‌اند. در تمامی سال‌های پس از کودتای ۱۳۳۲ تا سقوط شاه در سال ۱۳۵۷ حمایت‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی آمریکا از شاه موجبات سیطره کامل آمریکا بر شئون مختلف کشور را فراهم کرده بود. از لحاظ سیاسی به‌دلیل وابستگی سیاستگذاران کشور به آمریکا، فرآیند تصمیم‌گیری در رژیم شاه در هر دو حوزه داخلی و خارجی منطبق با ملاحظات و مطالبات آمریکا به انجام می‌رسید و بسیاری از تصمیمات کشور با نظر مستقیم آمریکایی‌ها اتخاذ می‌شد. این وضعیت حاکمیت و سلطه آمریکا را بر شئون مختلف کشور به‌دنبال داشت.

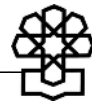
آمریکا در ۳۷ سال سلطنت محمدرضا شاه علاوه‌بر صدور سرمایه، از شرکت‌های تجاری و بانک‌ها، به‌عنوان پوشش و ابزار مهم توسعه روابط سیاسی و اقتصادی خود با ایران استفاده می‌کرد. درواقع با اعمال سیاست‌های آمریکا در ایران، تمام زیرساخت‌های تجاری، کشاورزی و صنعتی کشور نابود و ایران صرفاً به بازاری برای کالاهای غربی مبدل گشت. وابستگی نهادهای حکومتی کشور نیز تا آنجا بود که بالاترین شخص مملکت در تمام امور تنها نظرات آمریکایی‌ها را لحاظ می‌کرد.

۲-۵. سابقه مداخلات آمریکا در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی

۱-۲-۵. حمایت از تجزیه‌طلبی و تروریسم

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مجموعه دستگاه‌های سیاسی، تبلیغاتی، امنیتی، حقوقی و اقتصادی غرب به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه انقلاب اسلامی بسیج شدند. سفارتخانه آمریکا در تهران به ستاد ایجاد هماهنگی میان نیروهای مخالف انقلاب تبدیل گردید. از فردای پیروزی انقلاب یعنی از ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ تحریکات تجزیه‌طلبانه آغاز گشت. اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد دولت آمریکا در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به پیشبرد طرح‌های تجزیه‌طلبانه در ایران به‌عنوان یکی از راه‌های تضعیف نظام جمهوری اسلامی بی‌تأمل نبوده است.

۱. کامران غضنفری، آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات کیا، ۱۳۸۰، صص ۴۵-۵۰.



در یکی از اسناد به دست آمده از سفارتخانه آمریکا در تهران تمایل به استفاده از ظرفیت قومیت ها جهت سرنگونی نظام جمهوری اسلامی به خوبی بازتاب یافته است. در این سند که در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۱۵ و با طبقه بندی سری منتشر شده آمده است: اگر کردها، آذربایجانی ها، اعراب و سایر گروه های قومی تلاش های خود را هماهنگ کنند و در جهت مشترک سرنگونی دولت کنونی با یکدیگر همکاری و از یکدیگر حمایت کنند به عقیده ما امکان موفقیت دارند.

از طرف دیگر «مایلز کاپلند» نیز که در جنگ جهانی دوم با ژنرال «دونوان» در دستگاه امنیتی ارتش آمریکا همکاری کرده و در تدارک کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز با «کرمیت روزولت» همکاری کرده بود، در اوایل سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸)، به عنوان عضو گروهی از مشاوران بین المللی برای دیدار از مناطق عشایری و بررسی امکان شورش آنها، به ایران سفر می کند. اعضای این گروه دارای نام های مستعار «سافورد» و «ویزال» و «ماسترسون» و «استفان مید» بودند. پس از مدتی، دو نفر از رؤسای سابق ایل قشقایی به نام های خسرو و ناصر قشقایی پس از ۲۵ سال از آمریکا به ایران آمده و بلافاصله به فارس عزیمت و مدعی ریاست ایل قشقایی شدند. برادران قشقایی با حمایت بنی صدر، تلاش زیادی کردند تا عشایر فارس را مجدداً زیر پرچم خود گردآورند و یک آشوب تجزیه طلبانه جدید را در منطقه حساس کوچ ایل قشقایی (یعنی از جنوب اصفهان تا خلیج فارس) پدید آورند. خسرو قشقایی قبل از بازگشت به ایران، به واشنگتن رفته و طرح عملیات را با مقامات سازمان «سیا» هماهنگ ساخته بود. او در ایران با نام مستعار «اس.دی.راتر» با یکی از مأمورین سازمان سیا به نام «اهرن» تماس داشت و توسط عامل خود (جهان پولاد کشکولی) ماهیانه یک میلیون دلار دریافت می کرد. توطئه برادران قشقایی، علیرغم تمهیدات مفصل مادی و فرهنگی به نتیجه نرسید. برخلاف تحقیقات مفصل مؤسسات پژوهشی «سیا» در طی سال های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ که از طریق یکی از عوامل خود در رأس اداره کل آموزش عشایر کشور، منطقه را تحت پوشش و مطالعه دقیق داشتند، اما دولت آمریکا که در سال ۱۳۵۸ تلاش بسیاری برای حمایت از طرح های تجزیه طلبانه گروهک های مختلف به عمل آورده بود، با توجه به وضعیت نه چندان مساعد کشور در آن مقطع، آن چنان به موفقیت این طرح ها دل بسته بود که یکی از سناتورهای آمریکایی به نام سناتور «جکسون» در طی مصاحبه ای در اکتبر ۱۹۷۹ (مهرماه ۱۳۵۸) اظهار می دارد که: «انقلاب ایران محکوم به شکست است و آن کشور در آستانه تجزیه به قطعات کوچک است». آمریکا در مقابل اقدامات تروریستی نیز عمدتاً موضع سکوت توأم با رضایت را برگزیده بود و این درحالی بود که این کشور در مقابل اعدام عناصری از حکومت شاه و ساواک که در جریان انقلاب فرمان قتل مردم را صادر کرده بودند برآشفته و به موضع گیری پرداخت. برای مثال مجلس سنای آمریکا در ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ با صدور بیانیه ای اعدام عناصر



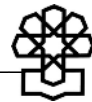
دستگاه شاه را به شدت محکوم کرد و اخطار شدیدالحنی به جمهوری اسلامی ایران داد.^۱ در عین حال دخالت‌های آمریکا در امور داخلی ایران هر روز ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گرفت و موضع‌گیری مقامات رسمی آمریکا علیه ایران شدت می‌یافت. در ۴ خردادماه ۱۳۵۸ به آقای هاشمی رفسنجانی سوء قصد شد که علیرغم اصابت گلوله در ۱۹ خردادماه با به‌دست آوردن سلامتی بیمارستان را ترک گفت. در ۴ شهریورماه ۱۳۵۸ حاج مهدی عراقی و فرزندش هدف تروریست‌های گروه فرقان قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. سپس آیت‌الله قاضی طباطبایی در تبریز ترور گردید و در ۲۷ آذرماه ۱۳۵۸ دکتر مفتاح ترور شد. آمریکا، اسرائیل و غرب نه تنها در برابر این ترورها ساکت بودند و حساسیتی نسبت به این ترورها نشان نمی‌دادند، بلکه از آن زمان تاکنون حمایت سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی از گروه‌های تروریستی متعددی مانند منافقین، پژاک، جندالله – که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کنند و نقش مؤثری در عملیات‌های تروریستی در داخل ایران و شهادت تعداد بسیاری از مردم ایران دارند – داشته‌اند.

۲-۲-۵. جاسوسی و مداخلات سفارت آمریکا

سفارت سابق آمریکا در تهران یکی از مراکز مهم سازماندهی اقدامات ضد ایرانی این کشور بوده است. از دوره رژیم گذشته، این مرکز با جاسوسی در امور ایران اطلاعات مهمی را در اختیار دوایر سیاستگذاری آمریکا جهت اتخاذ تصمیمات لازم در مورد کشورمان قرار می‌داد. به‌طور کلی همواره بسیاری از سفارتخانه‌های آمریکا کانون اصلی جاسوسی سازمان سیا در کشورهای خارجی بوده‌اند. اسناد به‌دست آمده از لانه جاسوسی آمریکا در تهران نشان می‌دهد که در سفارتخانه‌های این کشور، واحدی به نام «مراکز عملیاتی» وجود داشته و رؤسای این مراکز، رهبری عملیات گوناگون جاسوسی در کشورهای حوزه مأموریت‌شان را برعهده می‌گرفتند. این‌گونه افراد عموماً در پوشش دیپلماتیک فعالیت کرده و از مصونیت‌های دیپلماتیک نیز برخوردار بودند. «ویلیام کیسی» رئیس پیشین سیا، در اسفندماه ۱۳۶۱ در همین ارتباط گفته بود: «سازمان سیا در تمامی کشورهای که برای آمریکا اهمیت حیاتی داشته باشد، فعالیت‌های جاسوسی شدیدی را به‌منظور ارزیابی میزان ثبات سیاسی و اقتصادی این کشورها اعمال می‌کند».

در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز سفارت آمریکا تا قبل از تصرف آن توسط دانشجویان به‌عنوان مرکز اصلی جاسوسی و طراحی توطئه‌های آمریکا بود. برای مثال اسناد به‌دست آمده از لانه جاسوسی نشان می‌دهد که سفارت آمریکا تمرکز خاصی روی موضوع قومیت‌ها به‌ویژه موضوع کردستان داشت و اطلاعات زیادی را در مورد امکان خیزش قومی در این

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: حسن واعظی، ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۱.



منطقه به واشنگتن ارسال می‌کرد.

از طرف دیگر افسران سازمان سیا با استفاده از شرایط نابسامان بعد از انقلاب و درهم ریختگی و نامشخص بودن حوزه مسئولیت‌ها که نتیجه طبیعی هر انقلابی است، سعی کردند تا با نفوذ در مناطق کلیدی و حساس انقلاب اسلامی از تعمیق و گسترش هر چه بیشتر آن جلوگیری نمایند. سفارت آمریکا با ایجاد شبکه‌های جاسوسی و اطلاعاتی در پی آن بود تا از طریق تضعیف نیروهای اصیل انقلاب و تقویت نیروهای لیبرال حرکت انقلابی مردم ایران را آسیب‌پذیر نماید. به همین دلایل مسئولین سفارت آمریکا در پی آن بودند تا با برقراری ارتباط با مسئولین دولت موقت راه رسیدن به اهداف‌شان را تسهیل کنند.

اسناد لانه جاسوسی نیز نشان می‌دهد که ایالات متحده چگونه برای خارج کردن امام از صحنه سیاسی کشور درصدد جذب افراد مؤثر و مهم دولت موقت از جمله بنی‌صدر و امیرانتظام برآمده بود و مثلاً در مورد جذب بنی‌صدر، در ظاهر به عنوان مشاور اقتصادی یک شرکت آمریکایی با حقوق ماهیانه ۱۰۰۰ دلار دعوت به همکاری می‌شد، اما درواقع رابط سازمان سیا تلاش می‌کرد تا وی را به استخدام این سازمان درآورد. دولت آمریکا در پی آن بود تا با ایجاد ائتلافی از لیبرال‌های سیاسی، چهره‌های دینی میانه‌رو، سکولارها، ملی‌گرایان و سران ارتشی متمایل به غرب تحت لوای دولت موقت موجبات حذف تدریجی نیروهای وفادار به امام را از صحنه سیاسی کشور ایجاد نماید. به همین دلیل وزارت خارجه آمریکا مأموریت اصلی سفارت خود در ایران را تلاش برای هماهنگی فعالیت‌های نیروهای لیبرال و میانه‌روهای مذهبی و پیوند دادن آنها با عناصر ملی‌گرا و سلطنت‌طلبان و طرفداران رژیم سابق بر علیه انقلابیون مذهبی قرار داده بود. نهایتاً تداوم اقدامات مداخله‌جویانه و خرابکارانه سفارت آمریکا در تهران با واکنش دانشجویان انقلابی ایران مواجه شد و با تسخیر این مرکز، آمریکا از یکی از مهمترین ابزارهای خود برای دخالت در امور ایران محروم شد.^۱

۳-۲-۵. حمله طبس

۴ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹ نیروهای آمریکایی در عملیاتی موسوم به «دلتا» و با هدف آزاد کردن گروگان‌های این کشور که در لانه جاسوسی آمریکا در تهران تحت مراقبت بودند، در صحرای طبس پیاده شدند. قرار بود این نیروها که در میان آنان افسران حکومت پهلوی و افراد وابسته به ساواک نیز حضور داشتند، از طبس با هلیکوپتر به سوی تهران حرکت کرده و در ورزشگاه امجدیه (شهید شیرودی) فرود آیند و سپس با لباس مبدل، به سفارت آمریکا در تهران حمله کرده و جاسوسان خود را آزاد کنند. طبق این نقشه، آنان پس از پایان فعالیت‌شان، از همین راه به طبس رفته و از آنجا با

۱. بهرام نوازی، الگوهای رفتار ایالات متحده آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۹۸ و همچنین نک: حسن واعظی، پیشین.



هواپیما از ایران خارج می‌شدند حمله نظامی آمریکا به طیس، دوهفته پس از آن صورت گرفت که دولت این کشور در اقدامی یک‌جانبه، روابط کشورش را با جمهوری اسلامی ایران قطع کرد. در پی حادثه صحرای طیس و فرار باقی‌مانده هواپیماها و هلیکوپترهای آمریکایی به سوی ناو «نیمیتس» جیمی کارتر رئیس‌جمهور آمریکا شکست این عملیات مداخله‌جویانه را اعلام کرد. این حادثه یکی از بزرگ‌ترین رسوایی‌های نظامی و سیاسی کاخ سفید در برابر انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود.

۴-۲-۵. کودتای نوژه

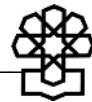
هرچند که شکست آمریکا در صحرای طیس موجب شد تا مقامات این کشور به‌طور موقت اندیشه عملیات نظامی بر ضدکشورمان را از سر بیرون کنند، اما این حادثه باعث نشد تا آمریکا بنیان طرح‌های خرابکارانه خود را متوقف کنند، بلکه حمایت مستقیم از ضد انقلابیون و تحریک آنان و همچنین پشتیبانی از رژیم بعث عراق، در مرحله پس از شکست کودتا در دستور کار آنان قرار گرفت که پس از شکست آمریکا در حمله نظامی به طیس، دو راهکار برای جبران این مسئله ازسوی مقامات کاخ سفید در نظر گرفته شد که عبارت بودند از:

الف) انجام یک کودتای نظامی با هدف سرنگونی نظام جمهوری اسلامی با همکاری فرماندهان سابق ارتش رژیم شاهنشاهی، نیروهای ساواک، گروه‌های ضد انقلاب، متحدین آمریکا در منطقه و از طریق دریافت کمک‌های مالی، نظامی و فنی آمریکا،

ب) تحریک یک کشور ثالث به طرح‌ریزی حمله نظامی و تجاوز گسترده به خاک جمهوری اسلامی ایران. همچنین اعترافات برخی سران دستگیر شده کودتای نوژه نیز به نشان‌دهنده آن است که بحث تقدم و تأخر این دو توطئه در میان طراحان و استراتژیست‌های آمریکایی مطرح بود و سرانجام قرار شد طرح کودتا که کم‌هزینه‌تر، مؤثرتر و سریع‌تر می‌باشد، اجرا شود و در صورت شکست آن، راه‌حل طولانی‌تر و پرهزینه‌تر تحمیل جنگ مورد استفاده قرار گیرد.

۵-۲-۵. تحریک عراق به حمله نظامی به ایران

آمریکا در اوایل دهه ۱۹۸۰ توان حمله نظامی موفقیت‌آمیزی علیه ایران را نداشت. بدین‌خاطر در راه رسیدن به یک توان نظامی مناسب نیازمند زمان بود. در نتیجه اولویت را به براندازی جمهوری اسلامی ایران توسط دیگران می‌داد. به این دلیل، وظیفه حمله به ایران را به عراق سپرد. برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر، برای زمینه‌سازی و اطلاع از وضع عراق برای شروع جنگ، سفرهای محرمانه مکرری به بغداد کرد. مجله «وال استریت ژورنال» مورخ ۱۹ بهمن‌ماه ۱۳۵۸ یکی از این سفرهای محرمانه را فاش ساخت و تایمز لندن مورخ ۲۷ خردادماه ۱۳۵۹ به ملاقات برژینسکی و صدام حسین اشاره کرد. در یکی از این گزارشات چنین آمده است: برژینسکی پس از سفر محرمانه



خود به بغداد در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: ما تضاد قابل ملاحظه‌ای بین ایالات متحده و عراق نمی‌بینیم، ما معتقدیم عراق که تصمیم به استقلال دارد در آرزوی امنیت خلیج عربی (!) (فارس) است و تصور نمی‌کنیم که روابط آمریکا و عراق سست گردد.

«کنت تیمرن» نیز در کتاب خود در این باره می‌نویسد: «به نوشته نیویورک تایمز و اظهارات یک ایرانی مقیم خارج از کشور، برژینسکی به امان پایتخت اردن رفت و با رهبر عراق در اواسط تیرماه ۱۳۵۹ به‌طور محرمانه دیدار کرد. به نوشته این روزنامه، هدف از این دیدار بحث و مذاکره پیرامون راه‌های هماهنگ کردن فعالیت‌های آمریکا و عراق و مخالفت با سیاست‌های ایران بود».^۱ در ۱۴ مردادماه ۱۳۵۹، صدام حسین سفر رسمی به عربستان کرد و دولت عربستان سعودی را از قصد خود برای حمله به ایران آگاه نمود. شش هفته بعد، نیروهای عراقی حمله را آغاز کردند. کارتر نیز طی یک سخنرانی در لس‌آنجلس، به‌طور غیرمستقیم بهره‌هایی را که انتظار داشت از حمله عراق به ایران عایدش گردد به این ترتیب بیان می‌کند: امیدوارم که به دنبال جنگ عراق با ایران، آزاد کردن گروگان‌های آمریکایی سرعت یابد و ایران از این جنگ درس عبرتی گرفته باشد که تا چه حد صلح و آرامش و یک اقتصاد قوی برای هر کشور لازم است... آمریکا انتظار دارد که جنگ ایران و عراق، کشور ایران را نیازمند وسایل یدکی نماید و در نتیجه آن کشور جهت رفع نیاز خود، شرایط آمریکا را مبنی بر آزادی گروگان‌ها بپذیرد. هنری کیسینجر نیز در مصاحبه خود با خبرنگاران در ۱۳۵۹/۷/۷ اعلام کرد که جنگ ایران و عراق به آزادی گروگان‌ها کمک می‌کند و وی انتظار دارد گروگان‌ها به زودی آزاد شوند. صدام همچنین در ماه اوت به ریاض رفت تا با خالد پادشاه عربستان ملاقات کرده و از پشتیبانی او از جنگ و تعهدش به ارائه کمک مالی مطمئن شود ... سعودی‌ها آنقدر محتاط بودند که بدون مشورت با واشنگتن، خود را به‌عنوان پشتیبان در جنگ قریب‌الوقوع درگیر نکنند. گزارش سعودی‌ها حاکی از آن است که نماینده واشنگتن یعنی برژینسکی، مشاور امنیت ملی کارتر، نسبت به برنامه اشتیاق نشان داده است. در همان هنگام، اردشیر زاهدی سفیر سابق شاه در واشنگتن، در تماس نزدیک با عراقی‌ها بود (تعداد زیادی از مقامات برجسته رژیم سابق ایران در بغداد به‌سر می‌بردند). آن‌طور که گری سیک معاون برژینسکی در زمینه مسائل ایران اظهار می‌دارد، برژینسکی معتقد بود که «ایران باید از همه طرف تنبیه شود». برژینسکی علناً اظهار داشت که چنانچه عراق علیه ایران اقدامی کند، وی اعتنایی نخواهد کرد. عراقی‌ها بر پایه اطلاعات دریافتی از سوی عناصر فراری از ایران، به‌ویژه عناصر ضدانقلابی ارتش که با خنثی شدن کودتای نوژه به عراق متواری شده بودند و همچنین اطلاعات دریافتی از آمریکا و عربستان راجع به وضعیت نابسامان سیاسی - نظامی و اقتصادی ایران، تصمیم به تهاجم گرفتند.

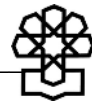
۱. کنت آر. تیمرن، سوداگری مرگ: ناگفته‌های جنگ عراق با ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳.



در طی جنگ نیز استراتژی کارتر بر این استوار بود که ایران را از دریافت اسلحه و به‌ویژه قطعات یدکی سلاح‌های ساخت ایالات متحده محروم نگه دارد تا مجبور شود گروگان‌ها را آزاد کند. وی امیدوار بود این کار قبل از آنکه مردم در ماه نوامبر به پای صندوق‌های رأی بروند انجام شود، اما نقشه تشویق صدام حسین به جنگ (به‌منظور تحت فشار گذاشتن ایران) نتیجه دلخواه کارتر را به بار نیاورد و ریگان انتخابات را برد.

۶-۲-۵. اقدامات جانبدارانه آمریکا به نفع عراق در طول جنگ

با شروع حمله عراق به ایران، آمریکا در ظاهر موضع بی‌طرفی خود را اعلام کرد، اما در عمل رابطه خود را با عراق که از سال ۱۹۶۷ به‌خاطر جنگ با اسرائیل قطع شده بود، برقرار و گسترش داد. در مارس ۱۹۸۲ (اسفندماه ۱۳۶۰) دولت ریگان نام عراق را از فهرست کشورهای حامی تروریسم حذف کرد. تلاش‌های کاخ سفید به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق متحدان خود در خاورمیانه و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با کمک به عراق برای از بین بردن دستاوردها و برتری‌های نظامی ایران ادامه یافت. آمریکا در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۲ شمسی) اعلام کرد، «پیروزی‌های ایران با منافع ایالات متحده مغایر است» و در دسامبر ۱۹۸۴ (دی‌ماه ۱۳۶۲) «جفری کمپ»، مسئول شرق نزدیک در شورای امنیت ملی آمریکا با تهیه گزارشی برای «رابرت مک فارلین»، مدعی شد، «آیت‌الله خمینی تهدیدی برای منافع غرب به‌شمار می‌رود» و به وی توصیه کرد عملیات مخفی را که حتی ممکن است به سقوط دولت ایران منتهی شود مد نظر قرار دهد. در همین دوران بنا به گزارش تهیه شده توسط تاور و مک فارلین و دیگر اعضای شورای امنیت ملی آمریکا از دورنمای سقوط ایران به دامن شوروی سابق به هراس افتاده بودند. این درحالی بود که «برژینسکی»، در ۲۸ فروردین‌ماه ۱۳۶۲ گفته بود: «موقعیت استراتژیک ایران آن‌چنان برای غرب اهمیت دارد که آمریکا باید به هر ترتیب شده، حتی با اقدام نظامی، مانع از دست دادن ایران شود». در ژانویه ۱۹۸۵ (۳۰ دی‌ماه ۱۳۶۲) جورج شولتز، وزیر خارجه وقت آمریکا، اعلام کرد، «ایران حامی تروریسم بین‌المللی است. لهذا از این پس دولت آمریکا به هم پیمانان خود فشار خواهد آورد که ارسال اسلحه به ایران را متوقف کنند». در فوریه ۱۹۸۵ (بهمن‌ماه ۱۳۶۳) کارخانه هلیکوپترسازی بل با فروش ۴۵ فروند هلیکوپتر بزرگ به عراق موافقت کرد. وزارت دفاع عراق در مذاکرات مربوط به آن نیز حضور داشت. در ۲۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۴ «گراهام فولر» مأمور امنیت ملی آمریکا در امور خاور نزدیک و جنوب آسیا و «هوارد تیچر» طی تحلیلی با عنوان «به سوی سیاستی در مورد ایران» که تسلیم «ویلیام کیسی»، رئیس وقت سیا شد، ضمن تشریح موقعیت بد آمریکا در قبال حوادث ایران، پیشنهاد تدوین برنامه‌ای را برای برخورد با ایران و مسائل مرتبط با آن کرده بودند. در این تحلیل تحت فشار قرار دادن ایران و متحدان آن و کمک به عراق از یک‌سو و تشویق کشورهای هم‌پیمان



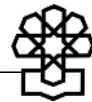
آمریکا در خصوص کمک به ایران، خارج کردن ناوگان آمریکا از خلیج فارس و صدور بیانیه‌هایی در مورد اعلام حسن‌نیت آمریکا در قبال ایران، ازسوی دیگر ارائه شده بود. قابل ذکر است در جریان همکاری جمهوری اسلامی ایران برای رهایی مسافران یک فروند هواپیمای مسافربری شرکت هواپیمایی TWA که در تاریخ ۲۰ خردادماه ۱۳۶۴ ربوده شده و به بیروت برده شده بود، ایران موفق شد در جریان یک عملیات محرمانه، برخی از اقلام نظامی مورد نیاز خویش ازجمله موشک‌های «تاو»، «هاوک» و «فونیکس» را از ایالات متحده تحویل بگیرد. در ۱۰ شهریورماه ۱۳۶۴ «بنیاد تحقیقاتی هریتیج» طی گزارشی در مورد ایران، خواستار حمله نظامی و عملیات انتقامی علیه ایران شد. درحالی که «جیمی کارتر»، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در اول مردادماه همان سال ضمن دیدار از آنکارا و در جریان مذاکرات خود با مقامات عالیرتبه ترکیه، خواستار میانجیگری آنکارا میان تهران و واشنگتن شده بود. مداخله و مشارکت آمریکا در تخصیص، با دعوت کویت از قدرت‌های بزرگ به خصوص آمریکا برای محافظت از نفتکش‌ها، شکل علنی‌تری به خود گرفت و ابعاد گسترده‌تری یافت. آمریکا به بهانه حفظ جریان آزاد نفت و تأمین نیازهای رشد صنعتی غرب که در معرض خطر قرار گرفته، بزرگ‌ترین ناوگان جنگی خود را وارد خلیج فارس کرد، ولی عملکرد آمریکا در قبال جنگ ایران و عراق، روحیه مبارزه‌طلبی و تجاوز مکرر به آب‌های سرزمینی و حریم هوایی ایران و رفتار دوستانه با عراق در مقایسه با منطق و عملکرد ایران و عراق در حمله به خطوط کشتیرانی، بی‌طرف در خلیج فارس و تنگه هرمز، هدف آمریکا را در بازدارندگی و حمایت از جریان نفت زیر سؤال برد و آمار و ارقام نشان می‌دهند که با ورود ناوگان دریایی آمریکا، تعداد حملات به کشتی‌ها در خلیج فارس به شدت افزایش یافت و تشنج بیشتر شد. پس از تغییر پرچم نفتکش‌های کویتی و آغاز عملیات اسکورت آنها در ۳۰ تیرماه ۱۳۶۶، ایالات متحده ناوگان دریایی خود را به ظرفیت ۳۵ کشتی جنگی و بیش از ۱۲ کشتی کمکی با مجموع ۲۰ هزار نیروی نظامی در منطقه گرد آورد که بعداً به بزرگ‌ترین ناوگان دریایی این کشور پس از جنگ جهانی دوم تبدیل شد. در نهایت نیز به حدود ۵۰ فروند کشتی جنگی رسید. کشورهای اروپایی ازجمله فرانسه، انگلستان، هلند، بلژیک و ایتالیا با تشویق ایالات متحده، ناوگان‌های جنگی و تجهیزات مین روب خود را به خلیج فارس اعزام کردند. آمریکا در طول جنگ تحمیلی و پس از ورود ناوگان نظامی این کشور به خلیج فارس، با انجام عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران و مشارکت مستقیم و غیرمستقیم در جنگ به نفع عراق وظایف دول بی طرف را نادیده گرفت و تعهدات آن را نقض کرد.^۱ اهم این اقدامات به شرح زیر است:

۱. برای مطالعه بیشتر نک: بهرام نوازی، الگوهای رفتاری ایالات متحده آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران، پیشین و حسن واعظی، ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، پیشین.



- مشارکت نظامی مستقیم آمریکا در جنگ علیه ایران: در ۲۷ مهرماه ۱۳۶۶ چهار ناو آمریکایی مجهز به موشک های هدایت شونده، سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس را گلوله باران کردند. ایالات متحده این اقدام خود را دفاع مشروع و پاسخی به انهدام کشتی کویتی سی اویل سیتی با پرچم آمریکا عنوان کرد. در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ دو سکوی نفتی رشادت و سلمان مربوط به حوزه های نفتی سیری و سلمان پس از یک اخطار نیم ساعته مبنی بر تخلیه سکوها مورد حمله چند فروند ناو و هلیکوپتر جنگی آمریکا قرار گرفت و به آتش کشیده شدند. پس از حمله آمریکا به سکوهای نفتی ایران، ناوچه سهند که بندرعباس را به سوی مناطق نفتی مورد حمله ترک کرده بود، در ۱۰ مایلی جنوب غربی پایانه نفتی لارک واقع در غرب تنگه هرمز از سوی هواپیماهای آمریکا هدف قرار گرفت و در اثر بمب های هدایت شونده لیزری که از سوی سه فروند هواپیمای شکاری بمب افکن ۶A شلیک شده بودند، منهدم شد. «پرکینز» و «بادلونگ» در شرح جزئیات طرح و اقدامات آمریکایی ها در حمله به سکوهای نفتی و ناوچه های ایرانی می نویسند: «در روزهای پس از حادثه ای که در رابطه با مین برای کشتی آمریکایی ساموئل رابرت در آوریل ۱۹۸۸ (۱۳۶۷/۱/۲۵) پیش آمد، نیروی دریایی آمریکا به سرعت نیروی اضافی وارد خلیج فارس کرد و ناو هواپیمابر «اینتر پرایز» با کشتی های اسکورت کننده آن در فاصله ۱۲۰ مایلی تنگه هرمز مستقر شد. تا ۱۷ آوریل (۱۳۶۷/۱/۲۸) نقشه برای واکنش آمریکا فراهم شده بود. سه گروه عملیاتی سطح آبی که هر یک متشکل از سه کشتی جنگی بود وظیفه داشت «ناوچه ایرانی سبلان» از «سام کلاس» را پیدا کرده و غرق کند و سکوهای نفت و گاز سامان، سیری و ره کیش را منهدم نمایند. افراد غیرنظامی مستقر در سکوها پنج دقیقه فرصت داشتند تأسیسات را ترک گویند. آنگاه قبل از ورود نیروی مهاجم که قرار بود برای کار گذاشتن مواد منفجره اقدام کنند، آتش بازی نیروی دریایی افراد باقیمانده در تأسیسات را مجبور به خروج می کرد. «عملیات پرینگ ماتیس» در ۱۸ آوریل (۱۳۶۷/۱/۲۹) طبق برنامه انجام شد. گروه سطح آبی B شامل کشتی های آمریکایی گریل، مک کورمیک و ورتون، سکوی سامان را به آتش کشید. گروه سطح آبی A شامل کشتی های وین رایت، باگلی و سیمسون، سکوی نفتی سیری را منهدم و لحظه ای بعد قایق گشتی ایران جوشن را غرق کرد و به یک هواپیمای F4 ایران خسارت زد. در نهایت گروه سطح آبی D شامل کشتی های آمریکایی جک ویلیام، ابرین و ژوزف استراوس با همکاری یک گروه هواپیمایی جت، ناوچه سهند را رهیابی و غرق کردند». کشتی ایران - اجر نیز در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۶۶ هدف حمله دو فروند هلیکوپتر آمریکایی قرار گرفت و منهدم شد.

- تجاوز به حریم هوایی ایران: هواپیماهای آمریکا پس از حضور ناوگان این کشور در خلیج فارس مکرراً به حریم هوایی ایران تجاوز کرده و اقدام به شناسایی و عکسبرداری از مراکز و تأسیسات مختلف ایران کردند. در ۱۴ مهرماه ۱۳۶۶، پنج فروند هواپیمای F16 آمریکا حریم هوایی



ایران را نقض کرده و بر فراز شهرستان چابهار مبادرت به یک مانور هوایی کردند. دو فروند از هواپیماهای متجاوز در ارتفاع بسیار پایین و سه فروند دیگر در ارتفاع بالاتر بر فراز بندر شهید بهشتی و چابهار به پرواز درآمدند. حدود ۲۰ روز قبل نیز دو فروند فانتوم آمریکایی در دو روز متوالی بر فراز بندر شهید بهشتی و چابهار به پرواز درآمده و دیوار صوتی را شکستند، ولی هیچ‌گونه اقدامی از سوی واحدهای نظامی مستقر در منطقه صورت نگرفت. در تاریخ ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۷ یک فروند هواپیمای شناسایی و تجسسی آمریکا در دو نوبت بر فراز بندرعباس، بندر لنگه، جاسک و جزایر استان هرمزگان اقدام به شکستن دیوار صوتی کرد. همزمان با تجاوز هواپیماهای آمریکایی به حریم هوایی جمهوری اسلامی ایران، یک فروند ناو آمریکایی تا فاصله ۱۰ مایلی به آب‌های جزیره لاوان نزدیک شد، به‌طوری که به تمامی نیروهای مستقر در جزیره آماده باش کامل داده شد. نیروهای ایالات متحده علاوه بر تجاوز به حریم هوایی جمهوری اسلامی، با رهگیری و دادن اخطارهای مکرر به هواپیماهای مسافربری و تعقیب کشتی‌ها و قایق‌های ایرانی، محدودیت‌های زیادی را به ایران تحمیل کردند و با ایجاد یک منطقه ۵ مایلی متحرک در اطراف کشتی‌ها و هواپیماهای خود حتی از پرواز هواپیماهای ایرانی در فضای آب‌های ساحلی ایران به‌خاطر فاصله کمتر از ۵ مایل جلوگیری می‌کردند ایران اقدامات ناوگان آمریکا را غیرقانونی دانسته و مصرانه می‌خواست که این اقدامات مغایر با حاکمیت جمهوری اسلامی ایران فوراً متوقف شود.

- انهدام هواپیمای ایرباس: در ۱۲ تیرماه ۱۳۶۷ یک فروند هواپیمای مسافربری ایران با ۲۹۰

سرنشین مورد اصابت دو موشک پرتاب شده از ناو آمریکایی «وینسنس» قرار گرفته و تمامی مسافران و خدمه آن کشته شدند. آمریکا مدعی بود که این حمله سهوی بوده و به اشتباه صورت گرفته است. علیرغم این ادعا، کاپیتان این ناو هنگام بازگشت به آب‌های آمریکا از مقامات این کشور مدال افتخار دریافت کرد. آنچه باعث افزایش ابعاد فاجعه‌بار این حمله از منظر مسائل حقوق بشری می‌شد مربوط به تعداد زیاد زنان و کودکانی بود که بر اثر این جنایت جان خود را از دست دادند. این امر نشان‌دهنده آن بود که آمریکایی‌ها برای ضربه زدن به ایران قائل به هیچ حد و مرزی نیستند. درواقع پس از آنکه آمریکا از دستیابی به اهداف خود بر ضد ایران از طریق جنگ نفت‌کش‌ها و حمله به مراکز اقتصادی کشور ناکام بود سعی کرد تا با ایجاد رعب و وحشت در میان مردم، ایران را تحت فشار قرار دهد. یکی از این ترفندها ناامن کردن خطوط هوایی ایران برای هواپیماهای مسافربری بود و حمله به هواپیمای ایرباس نیز دقیقاً در همین راستا به انجام رسید.

- کمک‌های مستقیم آمریکا به عراق: ایالات متحده در طول جنگ و به‌ویژه در اواخر آن، اطلاعات

ارزشمندی از موقعیت و آرایش نیروهای نظامی و مراکز اقتصادی - صنعتی ایران را در اختیار عراق



قرار داد. آمریکا با گسترش قلمرو پرواز هواپیماهای آواکس مستقر در عربستان، منطقه وسیعی از جبهه‌های جنوب و خلیج فارس را تحت پوشش خود داشت. ایالات متحده علاوه بر آواکس‌ها، با جمع‌آوری اطلاعات از ماهواره‌ها آنها را در اختیار عراق قرار می‌داد که در پیروزی‌های عراق و ناکامی بعضی از عملیات ایران بسیار مؤثر بودند. به‌رغم تکذیب این مسئله از سوی مقامات رسمی دولت آمریکا، صاحب‌نظران و نویسندگان بر این عقیده‌اند که ایالات متحده اطلاعات ماهواره‌ای خود را از جبهه‌های جنگ خصوصاً جبهه جنوب و مراکز نفتی در اختیار عراق قرار می‌داد. روزنامه واشنگتن پست در مقاطع مختلف با انتشار اخبار و گزارش‌های متفاوت از روابط اطلاعاتی آمریکا و عراق پرده برداشته و با اشاره به هدف آمریکا نوشت: «منظور از کمک به عراق، ارائه اطلاعات حساس برای انجام حملات دقیق به هدف‌های ایرانی و کمک به افزایش فشار نظامی به ایران جهت پذیرفتن آتش‌بس از سوی مقامات این کشور می‌باشد». یونایتدپرس در گزارشی از واشنگتن نوشت: «مقامات رسمی آمریکا می‌گویند جریان ارائه اطلاعات به عراق که توسط روزنامه واشنگتن پست فاش شد، طی دو سال گذشته تأیید و شرکت ویلیام کیسی رئیس سازمان سیا در این جریان در درجات مختلف ادامه داشته است. آنها اظهار داشتند، در اوت ۱۹۸۴ که میان بغداد - واشنگتن روابط دیپلماتیک مجدد برقرار شد، ارتباط بسیار محرمانه‌ای به‌منظور ارائه سریع اطلاعات مورد نیاز بغداد برای ارزیابی خسارات ایجاد شده در نتیجه بمباران‌های آنها و طرح‌ریزی حملات هوایی جدید برقرار شد... آنها می‌گویند پیروزی ایران می‌تواند آثار زیادی در ایجاد بی‌ثباتی در منطقه داشته باشد». دادن اطلاعات از سوی آمریکا به عراق اولین بار در سال ۱۹۸۴ آشکار شد و صدام حسین خود به صراحت در ماه می ۱۹۸۴ (اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۳) اظهار داشت: «عراق از اطلاعات هواپیماهای آواکس که توسط خلبانان آمریکایی به پرواز درمی‌آمد و در عربستان سعودی مستقر بود استفاده کرده است». دولت ریگان همچنین بر مبنای این تفکر که شکست عراق برای منافع غرب فاجعه است و جلوگیری از شکست عراق سود ویژه برای آمریکا خواهد داشت، از سال ۱۹۸۴ با برقراری روابط دیپلماتیک به‌صورت آشکار جانب عراق را گرفت. گزارش کمیته روابط خارجی سنای آمریکا اقدامات این کشور را در چهار دسته قرار می‌دهد که دو مورد توقف صدور اسلحه به ایران و فشار در سازمان ملل به جمهوری اسلامی ایران مربوط است و دو مورد دیگر به روابط آمریکا با عراق برمی‌گردد که عبارتند از: دادن اطلاعات نظامی و ارائه اعتبار کالایی، اعتبار بازرگانی برای کشاورزی و سایر خریدهای عراق از آمریکا. در اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۴ نیز «مرکز بازرگانی آمریکا - عراق» ایجاد شد. در مجموع آمریکایی‌ها با اقدامات مختلف نظامی، سیاسی، اطلاعاتی و اقتصادی خود کمک‌های مؤثری در جریان جنگ هشت‌ساله به‌طرف عراقی کردند و عملاً در این جنگ به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در کنار صدام و در برابر ایران قرار گرفتند.



۷-۲-۵. فشارها و تحریم‌های اقتصادی

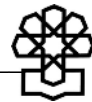
پس از تسخیر سفارت آمریکا در تهران به دست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸، دولت کارتر علاوه بر انجام یکسری اقدامات دیپلماتیک برای آزادی گروگان‌ها، تصمیم گرفت تا از فشارهای اقتصادی نیز برای به زانو در آوردن حکومت انقلابی ایران استفاده کند. کارتر در روز ۲۱ آبان‌ماه، دستور قطع خرید نفت از ایران را صادر کرد. سپس در واکنش نسبت به گزارش‌هایی مبنی بر اینکه ایرانی‌ها می‌خواهند سپرده‌های خود را از بانک‌های آمریکایی خارج کنند، رئیس‌جمهور آمریکا دستور توقیف همه دارایی‌های دولتی ایران را صادر کرد. این اقدام در فرمان اجرایی ۲۳ آبان‌ماه، رسمیت یافت. طبق فرمانی که کارتر صادر کرد، صادرات به ایران ممنوع و هرگونه واردات از ایران نیز قطع گردید. در ضمن، کلیه لوازم و تجهیزات نظامی که در زمان شاه پول آنها نیز پرداخت شده بود توقیف و از ارسال آنها به ایران جلوگیری به عمل آمد. دولت کارتر این اقدامات را با توجیه «وادار ساختن ایران به آزادی گروگان‌های آمریکایی» انجام می‌داد. ایالات متحده که از حمله نظامی به طبرس، توقیف دارایی‌های ایران، قطع رابطه سیاسی، ارجاع موضوع گروگان‌گیری به دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه و... بهره‌ای نبرده بود، در ۹ دی‌ماه ۱۳۵۸، شورای امنیت سازمان ملل را مجاب به تصویب قطعنامه ۴۶۱ نمود که طی آن مجازات‌های اقتصادی گوناگونی را علیه ایران به کار می‌بست. با این حال رایزنی‌های هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل و وتوی قطعنامه از سوی اتحاد جماهیر شوروی، موجب تنها ماندن ایالات متحده در اتخاذ تصمیم برای قطع مناسبات سیاسی و بازرگانی با ایران گردید. با وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که با حمایت همه‌جانبه آمریکا به وجود آمده بود، علاوه بر آنکه غرب به صورت مستقیم خسارت‌های بیشماری بر اقتصاد ایران وارد کرد، آمریکا و متحدان آن همواره سعی کردند که به طور غیرمستقیم نیز توان مالی ایران را ضعیف نگاه دارند. در پی انفجار مقر تفنگداران دریایی آمریکا در اکتبر ۱۹۸۳ در بیروت لبنان و نسبت دادن آن به جمهوری اسلامی ایران، رونالد ریگان، جورج شولتز، کاسپار واینبرگر و جورج آلن، به طرح تحریم‌های نوینی علیه ایران پرداختند. این تحریم‌ها شامل هرگونه مواد شیمیایی، ابزارهای صنعتی با کاربرد دوگانه و برخی از محدودیت‌های پولی و بانکی می‌شد. بدین ترتیب، هرگونه فروش و انتقال ابزارهای تسلیحاتی به ایران منع گردید و زمامداران آمریکایی موظف به مخالفت با روندهایی که زمینه ارتقای توان مالی تجاری ایران را فراهم می‌آورد، شدند. براساس این ایالات متحده آمریکا، ضمن تخصیص اعتبارات صادراتی غلات به میزان ۳۲ میلیون دلار در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲)، اعطای اعتبارات مالی در حدود ۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) و ارائه کمک‌های اطلاعاتی و جاسوسی به عراق، اقدام به بلوکه کردن ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران در بانک‌های آمریکایی و تحریم تسلیحاتی ایران نیز نمود که طی آن در



سال ۱۹۸۵ - ۱۹۸۶ (۱۳۶۴-۱۳۶۵) صدور هرگونه اقلام مندرج در فهرست اقلام نظامی آمریکا به ایران را ممنوع می‌کرد. در این بین هرگاه که ایران به موفقیت‌های بزرگی در جنگ نائل می‌گردید، قیمت نفت نیز پایین می‌آمد تا پشتوانه مالی و درآمد نفتی ایران تقلیل یابد و بدین ترتیب ایران از تهیه سلاح و مهمات عاجز بماند. شوک نفتی سوم در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)، بارزترین مثال این مسئله است که قیمت نفت را در شرایطی که احتمال عملیات سرنوشت‌سازی از سوی ایران می‌رفت، به ۷ دلار در هر بشکه تقلیل داد. در حین جنگ و پس از آن ایالات متحده آمریکا به کشورهای نظیر آرژانتین، آلمان، ژاپن و ... در مورد عدم صدور تکنولوژی و جلوگیری از اعطای وام به ایران فشارهای متعددی وارد می‌کرد. در سال ۱۹۹۳ (۱۳۷۲) قانون عدم گسترش سلاح ایران و عراق توسط دولت جرج بوش با هدف تحمیل ممنوعیت انتقال تکنولوژی‌هایی با کاربرد دوگانه و تسلیحات متعارف بی‌ثبات‌کننده به ایران و عراق امضا شد. مهمترین بخش این قانون که در مورد ایران قابل اجراست، بخش ۴۰ آن یعنی قانون ۱۹۸۶ امنیت دیپلماتیک است که بر پایه آن، هرگونه صادرات آمریکا به ایران ممنوع اعلام شده است.^۱

با پیروزی بیل کلینتون در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا طرح ادعاهایی نظیر تلاش جهت دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، حمایت از تروریسم بین‌المللی، نقض حقوق بشر و مخالفت با روند صلح خاورمیانه، در راستای مهار و سد نفوذ انقلاب ایران و منزوی کردن ایران در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای بیش از پیش مورد تأکید قرار گرفت. راهکارهایی همچون اجرای سیاست مهار دوجانبه و قانون داماتو به‌عنوان مهمترین سازوکارهای تحقق این اهداف مورد توجه قرار گرفت. در مارس ۱۹۹۳ (۱۳۷۲)، مارتین ایندایک و آنتونی لیک تلاش‌هایی را برای اعمال محدودیت‌های مضاعف علیه ایران به‌کار گرفتند و استراتژی جدید آمریکا در برخورد با جمهوری اسلامی ایران را براساس مؤلفه‌های مهار تنظیم نمودند. براساس این قانون «مهار دوگانه ایران و عراق» در سال ۱۹۹۳ توسط مارتین ایندایک مسئول امور خاورمیانه در شورای امنیت ملی دولت کلینتون مطرح و در آوریل ۱۹۹۴ (۱۳۷۳) توسط مقاله‌ای به قلم آنتونی لیک در مجله سیاست خارجی به‌عنوان سیاست رسمی دولت آمریکا منتشر گردید. سیاست مهار دوجانبه که شامل تحریم‌های اقتصادی گوناگونی علیه ایران و عراق می‌شد، هدف اصلی خود را مهار همزمان ایران و عراق از طریق محاصره اقتصادی و تکنولوژیک و تسلط کامل آمریکا بر منطقه استراتژیک خلیج فارس از طریق انزوای بین‌المللی ایران و عراق قرار داده بود. این جریان، بیانگر سیاست‌های جدیدی بود که براساس آن، محدودیت‌های اعمال شده علیه ایران تشدید می‌شد. از این‌رو اعمال سیاست مهار منجر

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد تحریم‌های ایران نک: بهرام نوازنی، الگوهای رفتاری ایالات متحده در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران، پیشین.



به تشدید محدودیت‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران شد. همزمان با تصویب و اجرای سیاست مهار دوجانبه، قانون دیگری تحت عنوان قانون «داماتو» یا تحریم ایران و لیبی نیز در ۵ اوت سال ۱۹۹۶ به تصویب کنگره ایالات متحده آمریکا رسید. فعالیت‌های تروریستی در سطح منطقه‌ای و جهانی، تهدید صلح و امنیت جامعه جهانی و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی ازجمله دلایل اتخاذ چنین تصمیمی ازسوی دولت کلینتون اعلام شد. این قانون با اهدافی نظیر تضعیف بخش انرژی ایران و ممانعت از ورود جریان سرمایه به این بخش، محروم کردن ایران از ذخایر مالی و تضعیف توانمندی‌های استراتژیک ایران به تصویب رسید. در تمام این سال‌ها دولت آمریکا با تعریف ایران به عنوان تهدیدی فوق العاده برای امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد آمریکا، ممنوعیت‌ها و تحریم‌های مختلفی را جهت سرمایه‌گذاری و داد و ستد با جمهوری اسلامی ایران وضع کرده است که از آن جمله می‌توان به فرمان اجرایی (۱۲۹۵۷) مورخ ۱۵ مارس ۱۹۹۵ اشاره کرد. این فرمان که توسط بیل کلینتون صادر شد، شامل ممنوعیت معاملات مشخص در مورد توسعه منابع نفتی ایران می‌گردید. فرمان اجرایی دیگر (۱۲۹۵۹) که مهمترین قانون حاکم بر معاملات بازرگانی آمریکا با ایران نیز به‌شمار می‌آید و شامل ممنوعیت کامل داد و ستد و سرمایه‌گذاری آمریکا با ایران است، در ۶ مه ۱۹۹۵ (۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۷۴) طرح شد. همچنین فرمان اجرایی ۱۳۰۵۹ که در ۱۹ اوت ۱۹۹۷ (۲۸ مردادماه ۱۳۷۶) به تصویب کنگره ایالات متحده آمریکا رسید، مکمل فرمان پیشین (۱۲۹۵۹) است و ممنوعیت داد و ستد و سرمایه‌گذاری اتباع آمریکایی را در ایران فراهم می‌کند. قانون تشدید مجازات کشورهای که توسط آمریکا تحریم می‌شدند نیز در سال ۱۹۹۶ (۱۳۷۵) تصویب شد که فشارهای چندجانبه و چندلایه‌ای را علیه ساخت اقتصادی و تکنولوژیک جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌کرد. به موجب قانون ضد تروریستی مصوبه ۱۹۹۶ (۱۳۷۵) کنگره آمریکا، تحریم‌های ثانویه علیه کشورها و نهادهایی انجام می‌گرفت که از ایران حمایت تکنولوژیک و اقتصادی به‌عمل می‌آوردند. دولت و کنگره آمریکا بر این اعتقاد بودند که با قطع حمایت شرکت‌های غربی از ایران و ایجاد محدودیت برای ارتقا و بهبود صنایع نفتی، دولت ایران دچار مشکلات اقتصادی شدیدی خواهد شد و براساس آن، زمینه تغییر در رفتار ایران فراهم خواهد شد. همزمان با طرح قوانین گوناگون، ایالات متحده آمریکا طی سال‌های گذشته اقدامات دیگری نیز برای منزوی نمودن و مهار انقلاب اسلامی ایران انجام داده است که از آن جمله می‌توان به محدود کردن اعطای کمک‌های مالی مستقیم نظیر وام، اعتبار، ضمانت و اعتبارات بانکی صادرات و واردات و دریافت کمک‌های مالی غیرمستقیم از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اشاره نمود. همچنین ایالات متحده به کشورهای اروپایی برای ممانعت از سرمایه‌گذاری در ایران فشار آورده و مخالفت علنی خود را با مشارکت ایران در کنسرسیوم بین‌المللی استخراج نفت

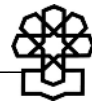


جمهوری آذربایجان ابراز نموده است. ایالات متحده همچنین درصدد آن است تا از اجرای قرارداد انتقال گاز ایران به هند و پاکستان جلوگیری کند و فشار زیادی بر هند وارد می کند تا از خرید گاز ایران خودداری نماید.

در ادامه اقدامات خصمانه ایالات متحده بر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، مجلس سنای آمریکا در ماه سپتامبر ۲۰۰۶ (۱۳۸۵)، اعتبار قانون تحریم کمپانی خارجی که در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری و یا به این کشور تسلیحات می‌فروشند را به مدت پنج سال دیگر تمدید کرد. در ویرایش جدید این سند، کمپانی‌های خارجی که تسلیحات معمولی نوین شده را به ایران عرضه می‌کنند نیز از این پس مشمول تحریم خواهند شد. در مقدمه این قانون که «حمایت از آزادی در ایران» نامیده می‌شود، تأکید شده که هدف از آن «فراخواندن ایران به پاسخگویی به‌خاطر رفتار تهدیدآمیز خود و حمایت از روی آوردن به دموکراسی در ایران است». قانون «حمایت از آزادی در ایران» همچنین به رئیس‌جمهور آمریکا اجازه می‌دهد که به میزان لازم از بودجه فدرال برای تأمین مالی در آمریکا و خارج از کشور برای فعالیت در زمینه «حمایت و پیشبرد دموکراسی در ایران» از جمله تأمین مالی رادیو و شبکه‌های تلویزیونی که در ایران پخش می‌شوند، هزینه کند. همچنین سند یاد شده قانون تحریم علیه ایران و لیبی که در سال ۱۹۹۶ (۱۳۷۵) تصویب شده بود را تا سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰) تمدید کرد.

۸-۲-۵. تلاش برای جلوگیری از دستیابی ایران به دانش و فناوری هسته‌ای

در سال‌های اخیر اتخاذ اقداماتی جهت جلوگیری از دستیابی ایران به دانش صلح‌آمیز هسته‌ای یکی از سیاست‌های خصمانه و مداخله‌جویانه ثابت آمریکا بر علیه کشورمان بوده است. در این راستا آمریکا جنگ روانی گسترده‌ای را در سطح جهان به راه انداخته است تا نشان دهد که برنامه هسته‌ای ایران ماهیتی غیرصلح‌آمیز داشته و نظامی است. آمریکا در راستای تأمین هدف خود مبنی بر جلوگیری از تحقق حقوق هسته‌ای ایران از مبادرت به تهدیدات نظامی نیز ابایی نداشته است. آمریکا همچنین فشارهای زیادی را به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اعضای آن وارد ساخته تا ایران را از پیگیری حقوق خود در این زمینه منصرف نمایند. واشنگتن در چارچوب اقدامات خصمانه خود در حرکتی سیاسی زمینه‌های ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل را نیز فراهم کرد. بر این مبنا پرونده هسته‌ای ایران از سوی سه کشور اروپایی بریتانیا، فرانسه و آلمان و با حمایت‌های بی‌شائبه ایالات متحده آمریکا در شورای امنیت به تصویب قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ منجر شده است. در قطعنامه ۱۶۹۶، از ایران خواسته شده بود تا ۳۱ ماه آگوست سال ۲۰۰۶ (۹ شهریورماه ۱۳۸۵) فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی اورانیم را متوقف نماید، زیرا در غیر این صورت با تحریم‌های اقتصادی و دیپلماتیک روبرو می‌شد.



عدم اعتنای ایران به قطعنامه فوق سبب طرح دومین قطعنامه و اعمال تحریم‌هایی بر ضد کشورمان شد. قطعنامه ۱۷۳۷ که در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ (۲ دی ماه ۲۰۰۵) به تصویب اعضای شورای امنیت رسید، عملاً ایران را به فصل هفتم و ماده (۴۱) منشور ملل متحد کشاند. این قطعنامه تهران را با تحریم‌های مختصری نظیر ممنوعیت صدور مواد و تجهیزات که با فعالیت‌های اتمی ایران ارتباط مستقیمی داشته باشند، روبرو کرد و دارایی‌های برخی مؤسسات و افراد مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای ایران را در خارج از کشور مسدود نمود. همچنین در این قطعنامه ذکر شده بود که در صورت بی‌اعتنایی مجدد ایران به قطعنامه فوق و عدم توقف فعالیت‌های هسته‌ای در مدت زمان مقرر ۶۰ روزه از سوی شورای امنیت، تهران با تحریم‌های سخت‌تری مواجه خواهد شد. اگر چه قطعنامه فوق لحنی تند داشت و ضرب‌الاجلی ۲ ماهه برای ایران تعیین کرده بود، با این حال جمهوری اسلامی ایران ضمن رد و غیر عادلانه خواندن قطعنامه و انتقاد از برخورد دوگانه شورای امنیت، مصرانه بر ادامه فعالیت‌های صلح‌آمیز خود جهت دستیابی به فناوری هسته‌ای پای فشرد. بدین ترتیب پس از پایان مهلت ۲ ماهه شورای امنیت و عدم اعتنای ایران به قطعنامه فوق، قطعنامه سوم شورای امنیت پس از حدود ۱ ماه رایزنی در ۲۴ مارس ۲۰۰۷ به تصویب رسید. قطعنامه ۱۷۴۷ که پس از تعلل و ممانعت مقامات آمریکایی از حضور محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران در جلسه شورای امنیت، به اتفاق آرا تصویب شد، ضمن مسدود نمودن دارایی‌های ۲۸ فرد و نهاد ایرانی مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای ایران و جلوگیری از صادرات تسلیحاتی ایران، تحریم‌های تنبیهی جدیدی را نیز بر علیه تهران وضع کرده است و یک بار دیگر از ایران خواسته که طی ۶۰ روز آینده فعالیت‌های هسته‌ای خود را به حالت تعلیق درآورد. جمهوری اسلامی ایران نیز در پاسخ به قطعنامه فوق، ضمن «غیر قانونی» توصیف نمودن قطعنامه‌های شورای امنیت، همواره بر «حق انکارناپذیر» خود در غنی‌سازی اورانیم تأکید کرده و برنامه‌های هسته‌ای خود را در راستای مصارف صلح‌آمیز تشریح کرده است. با این حال آمریکا همواره از همه توان خود برای ممانعت از پیشرفت‌های هسته‌ای ایران استفاده کرده است.^۱ بخش عمده‌ای از این تلاش‌ها در چارچوب تبلیغات جنجالی واشنگتن بر ضد برنامه هسته‌ای ایران پیگیری شده است و در آخرین نمونه از این قبیل جنجال‌ها به تبلیغات منفی گسترده‌ای علیه تأسیسات تازه اعلام شده ایران در فردو اقدام کرده است. در مجموع اقدامات آمریکا برای جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران از جمله مصادیق اقدامات خصمانه و مداخله‌جویانه آمریکا علیه ایران محسوب می‌شود.

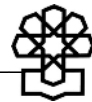
۱. برای مطالعه بیشتر در مورد تحریم‌های جدید علیه برنامه هسته‌ای ایران نک: مصطفی زهرانی، تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران: جایگزینی جنگ یا مؤلفه اصلی مهار، فصلنامه روابط خارجی، ش ۸، زمستان ۱۳۸۹.



۹-۲-۵. راه اندازی جنگ ژئوپلیتیک بر ضد ایران

منظور از راه اندازی جنگ ژئوپلیتیک علیه ایران مبادرت به مجموعه اقداماتی است که از طرف آمریکا با هدف محروم ساختن ایران از مزایای ناشی از موقعیت ژئوپلیتیک کشورمان در منطقه صورت می گیرد. البته تلاش برای انزوای منطقه ای و بین المللی جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یک دستورالعمل اصلی در راهبرد کلان آمریکا نسبت به ایران وجود داشته است، اما این قبیل تلاش ها به ویژه پس از شکل گیری ترتیبات ژئوپلیتیک جدید در منطقه و نظام بین الملل که پس از فروپاشی شوروی صورت گرفت ابعاد گسترده تری پیدا کرد. تغییرات حادث در نظام بین الملل ارزش موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را دو چندان کرد و همسایگی با دو منطقه حساس آسیای مرکزی و قفقاز که جمهوری های واقع در آن به تازگی از سیطره کمونیسم رهایی یافته بودند محرکی مؤثر در تقویت این روند بود. موقعیت ممتاز ایران آن گاه ارتقای بیشتری پیدا کرد که اخبار متعددی در مورد وجود ذخائر غنی انرژی و مشخصاً نفت و گاز در حوزه خزر منتشر شد. از این پس بحث استخراج نفت و گاز این منطقه و انتقال آن به بازارهای جهانی در سطحی گسترده مطرح شد. به اعتقاد همه کارشناسان، جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای منطقه بهترین موقعیت را برای تبدیل شدن به مسیر اصلی انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی دارا بود. این ادعا از منطقی سه رکنی برخوردار است مبنی بر اینکه ایران کوتاه ترین، امن ترین و اقتصادی ترین مسیر ترانزیت انرژی حوزه خزر محسوب می شود.

درست به همین دلیل تلاش سیاسی و سازمان یافته ای از سوی آمریکا برای ممانعت از دستیابی ایران به چنین موقعیتی به انجام رسید. آمریکا با سرمایه گذاری کلان تلاش کرد تا ژئوپلیتیک خطوط لوله در منطقه را به ضرر ایران سامان دهد. از این رو از طرح ها و پروژه هایی حمایت کرد که متضمن نادیده گرفتن نقش ترانزیتی ایران بوده و زمینه را برای انتقال منابع انرژی خزر از مسیرهایی بجز مسیر ایران فراهم می کردند. خط لوله نفتی باکو-تفلیس-جیهان از جمله مهمترین نمادهای تلاش آمریکا برای دخالت در ترتیبات ترانزیت انرژی خزر به ضرر ایران است که علیرغم هشدارهای گسترده کارشناسان در مورد ناامن و غیراقتصادی بودن آن با حمایت های سیاسی و اقتصادی شدید واشنگتن طراحی گردید. در تمام این سال ها استراتژی اصلی آمریکا در قبال معادلات منطقه به ویژه در بحث انرژی، پیگیری فرمول «همه چیز بدون ایران» بوده است. آمریکایی ها در طرح های جدیدی که در زمینه انتقال انرژی منطقه در حال پیگیری است نیز کماکان سیاست محروم ساختن ایران را دنبال می کنند. از آن جمله می توان به سیاست آمریکا در قبال خط لوله ناباکو اشاره کرد که با هدف انتقال گاز منطقه به بازارهای جهانی از طریق ترکیه طراحی شده است. مقامات ایالات متحده در مورد این خط لوله نیز در حال اعمال فشار سیاسی برای جلوگیری از مشارکت ایران در آن هستند. این قبیل



اقدامات واشنگتن ضربه زدن به منافع و مزایای ژئوپلیتیکی ایران است که بجز حوزه آسیای مرکزی و قفقاز در حوزه‌های دیگری نیز پیگیری می‌شود. از جمله می‌توان به تلاش آمریکا برای جلوگیری از اجرای خط لوله صلح (خط لوله گازی ایران- پاکستان- هند) اشاره کرد. حتی می‌توان تداوم اشغال عراق و افغانستان به عنوان دو همسایه مهم کشورمان از سوی آمریکا را در چارچوب تمهیدات آمریکا برای ایجاد محدودیت‌های ژئوپلیتیکی بر ضد ایران تفسیر کرد.

۱۰-۲-۵. اختصاص بودجه برای براندازی جمهوری اسلامی ایران

یکی از اقداماتی که ایالت متحده آمریکا در راستای تضعیف و نهایتاً ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران به انجام رسانده اختصاص بودجه جهت مقابله با نظام بوده است. برای مثال در ۱۴ فوریه سال ۲۰۰۶ (۲۵ بهمن ماه ۱۳۸۴) کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه وقت آمریکا به کمیته روابط خارجی کنگره این کشور رفت و درخواست ۷۵ میلیون دلار برای بهبود وضعیت آزادی و حقوق بشر در داخل ایران را ارائه داد. مسئول آن هم دیوید دهنی یکی از مشاوران بخش خاور نزدیک وزارت امور خارجه آمریکا بود.

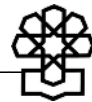
لازم به ذکر است که این سومین سالی بود که برای چنین امری پول درخواست می‌شد، اما در دو سال قبل از آن به ترتیب تنها حدود ۲ و سپس ۱۱ میلیون دلار هزینه شده بود که ظاهراً بیشتر برای تلویزیون فارسی صدای آمریکا و رادیو فردا هزینه شده بود که هر دو در راستای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کنند، اما پس از اینکه آمریکا بودجه ۷۵ میلیون دلاری را به بهانه گسترش دموکراسی در ایران اختصاص داد دامنه اقدامات خرابکارانه و براندازانه نیز گسترش پیدا کرد و طیف بیشتری از نیروهای برانداز مشمول کمک‌های آمریکا شدند. اختصاص چنین بودجه‌ای یکی از مصادیق بارز دخالت‌های آمریکا در امور ایران بود. در تازه‌ترین نوع از این اقدامات کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا (HASK) در لایحه بودجه سال ۲۰۱۰ پنتاگون برای نفوذ در ایران، مقابله با فیلترینگ سایت‌های ضد ایرانی، تحریک قربانیان سانسور در ایران، آموزش الکترونیکی ایرانیان مخالف نظام برای براندازی نرم و شبکه‌سازی اینترنتی برای معترضان بعد از انتخابات ریاست جمهوری، ارائه آموزش‌های لازم رسانه‌ای و کامپیوتری برای راه‌اندازی سایت‌ها جهت اطلاع‌رسانی، بودجه ۵۵ میلیون دلاری تصویب کرد. این لایحه که «قانون قربانیان سانسور در ایران» نام دارد، از بند «۱۲۶۱» تا «۱۲۶۶» بودجه دفاعی پنتاگون را شامل می‌شود.

در این قانون در کل مبلغ ۵۵ میلیون دلار بودجه به وزارت خارجه اختصاص یافته که به صورت جزئی در بخش اول ۳۰ میلیون دلار به شورای مدیران پخش، برای انعکاس فعالیت‌های آن لاین و بهبود سرمایه که به طور کلی ایران را نشانه می‌روند، اختصاص می‌یابد، در بخش دوم مبلغ ۲۰ میلیون دلار به «یک بودجه جدید برای رسانه، تعامل و آموزش الکترونیکی ایرانیان» برای



«مقابله با تلاش‌های دولت ایران در انسداد، سانسور و کنترل اینترنت در ایران» و در بخش سوم نیز مبلغ ۵ میلیون به وزارت خارجه برای «مستند ساختن و جمع‌آوری و پخش اطلاعات درباره حقوق بشر به‌ویژه حوادث پس از انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران» در نظر گرفته شده است. در بند «۱۲۶۲» این قانون در ۳ بخش تصویب شده که به‌منظور گسترش ارتباط ایرانیان با شبکه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور مبلغ ۱۵ میلیون دلار برای پخش اطلاعات از طریق رادیو، تلویزیون، اینترنت، موبایل، خدمات پیام کوتاه و سایر وسایل ارتباط جمعی اختصاص یافته است.

همچنین کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا علاوه‌بر بودجه‌هایی که در این زمینه اختصاص داده، در بخش دوم این بند تصویب کرده است که مبلغ ۱۵ میلیون دلار برای ایجاد ظرفیت بیشتر برای ارسال رادیو فردا و شبکه خبر فارسی (VOA) به‌منظور مقابله با پارازیت‌ها و از طریق ارسال امواج کوتاه و متوسط اضافی، ماهواره و مکانیسم‌های اینترنتی، ایجاد ظرفیت بیشتر برای سرور پروکسی (فیلترشکن) و نرم‌افزار ضد سانسور به‌منظور مقابله با مسدود ساختن وب سایت رادیو فردا و شبکه خبر فارسی و ایجاد ظرفیت‌های لازم به‌منظور مقابله با تلاش برای قطع سیستم ارسال پیام کوتاه از طریق موبایل اختصاص یافته است. استخدام کارکنان دائم یا قراردادی برای رادیو فردا و شبکه خبر فارسی (VOA) و ایجاد برنامه‌های تلویزیونی فارسی‌زبان اینترنت‌محور از جمله یک کانال خبری فارسی زبان اینترنت‌محور از دیگر برنامه‌های در نظر گرفته شده در این بند است. در بند «۱۲۶۳» این قانون نیز در ۳ بخش تأسیس، اجرا و هدف، نحوه استفاده از بودجه ۳۰ میلیون دلاری برای رسانه، تعامل و آموزش الکترونیک ایرانیان با هدف حمایت از گسترش فناوری‌هایی چون وبسایت‌های اینترنتی، تمرین آزادی بیان، آزادی کلام و آزادی مجمع از طریق اینترنت و سایر رسانه‌های الکترونیک و شرکت در برنامه‌های آموزشی اینترنت‌محور و سایر تعاملات میان مردم آمریکا و ایران بیان شده است. همچنین در این بند برای اولین بار در طول تاریخ آمریکا کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا برای وزارت خارجه بودجه مشخص برای براندازی نرم در ایران پس از انتخابات تعیین کرده است. در بند «۱۲۶۴» که با عنوان گزارش سالیانه منتشر شده، رئیس‌جمهور آمریکا موظف است که ظرف مدت ۹۰ روز پس از تصویب این قانون و پس از آن سالیانه به مدت ۵ سال، گزارشی از تلاش‌های آمریکا برای پخش برنامه‌های بین‌المللی در نظر گرفته شده، تلاش‌های دولت ایران برای مسدود ساختن پخش برنامه‌های مورد حمایت آمریکا و سایر نهادهای غیر ایرانی، تلاش‌های دولت ایران برای کنترل یا مسدود ساختن دسترسی به اینترنت و جمع‌آوری اطلاعات در مورد افراد و برنامه‌های شورای مدیران، برنامه‌های لازم برای استفاده از بودجه مربوط به رسانه، تعامل و آموزش الکترونیک ایرانیان و همچنین تفکیکی جامع میان مبالغ اختصاص یافته و هزینه شده برای رسانه‌های الکترونیک، و ارزیابی تأثیر این مبالغ ارائه دهد. در بند



«۱۲۶۵» این لایحه نیز تعیین شده که ظرف مدت ۱۸۰ روز پس از تصویب این قانون، رئیس‌جمهور آمریکا موظف است گزارشی از افراد غیرایرانی از جمله شرکت‌هایی که از آمریکا کمک هزینه دریافت می‌کنند، ارائه کند که پس از تاریخ تصویب این قانون، به دولت ایران آگاهانه یا ناآگاهانه کمک‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و سایر انواع کمک را ارائه کردند.

«مستندات حقوق بشر» این قانون نیز در بند «۱۲۶۶» ارائه شده و تصویب شده است که مبلغ ۵ میلیون دلار در اختیار وزیر خارجه قرار گیرد تا اطلاعات مربوط به موارد نقض حقوق بشر در ایران پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹ را جمع‌آوری، مستند و منتشر کند. البته سابقه تصویب این بودجه به ماه جولای باز می‌گردد که مجلس سنا قانون اعطای حق دفاع ملی (NDAA) را با قانون قربانیان سانسور در ایران (VOICE) اصلاح کرد. قانون VOICE را اولین بار سناتورهایمانند جان مک‌کین، جوزف لیبرمن، تد کافمن، لیندسی گراهام و رابرت کاسی مطرح کردند. این قانون در مرحله اول ۳۰ میلیون دلار به شورای مدیران پخش، برای انعکاس و پخش فعالیت‌های آن لاین و بهبود سرمایه که به طور کلی ایران را نشانه می‌روند، اختصاص داد، در مرحله دوم ۲۰ میلیون دلار به «یک بودجه جدید برای رسانه، تعامل و آموزش الکترونیکی ایرانیان» برای «مقابله با تلاش‌های دولت ایران در انسداد، سانسور و کنترل اینترنت در ایران» و در مرحله سوم نیز ۵ میلیون به وزارت خارجه برای «مستند ساختن و جمع‌آوری و پخش اطلاعات درباره حقوق بشر در ایران» در نظر گرفت. در آن برهه دیگر این قانون دنبال نشد تا اینکه گزارش اخیر کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان (HASK) و کمیته نیروهای مسلح مجلس سنا (SASK) نشان داد که قانون VOICE همچنان به قوت خویش باقی است اختصاص چنین بودجه‌هایی بیش از هر چیز نشان از تحرک بیشتر مقامات و نهادهای آمریکایی برای پیگیری طرح‌های براندازانه در ایران البته با روش‌ها و شیوه‌های جدید دارد.

۱۱-۲-۵. دخالت آمریکا در انتخابات ایران

آمریکا در مقاطع مختلف درخصوص مسائل و موضوعاتی که در زمره امور داخلی کشورمان محسوب شده و به موجب هنجارهای بین‌المللی کشوری حق دخالت در آن را ندارد به اتخاذ سیاست‌های مداخله‌آمیز روی آورده است. در این زمینه می‌توان به سیاست‌های واشنگتن درخصوص موضوعاتی نظیر برگزاری انتخابات در کشورمان اشاره کرد. در چندین انتخاباتی که به‌ویژه در ساهای اخیر در کشورمان برگزار شده است شاهد سمت‌گیری مستقیم و غیرمستقیم آمریکا در حمایت از یک جریان یا جناح خاص بوده‌ایم. این درحالی است که رقابت سیاسی میان گروه‌های مختلف سیاسی که اوج آن در کارزارهایی نظیر انتخابات صورت می‌گیرد یک امر طبیعی و مطابق با اصول دموکراسی است و این امر نباید محملی برای دخالت در مسائل داخلی یک کشور



ازسوی دولت‌های خارجی باشد. با اینحال ورود به رقابت‌های انتخاباتی در ایران ازسوی آمریکا در شکل حمایت از یک گروه و تخریب یک گروه دیگر به الگوی ثابتی از مداخلات آمریکا در قبال کشورمان تبدیل شده است. نوع دیگری از دخالت‌های آمریکا در امور ایران در بحث انتخابات مربوط به موضع‌گیری‌های این کشور در قبال کیفیت و سلامت انتخابات کشورمان می‌شود. آمریکا در برخی انتخابات از جمله انتخابات مجلس هفتم و هشتم صراحتاً سلامت انتخابات را زیر سؤال برده و آنها را انتخاباتی ناعادلانه خوانده است. برای مثال تام کیسی سخنگوی وقت وزارت امور خارجه آمریکا پس از برگزاری انتخابات مجلس هشتم در سال ۱۳۸۶ این انتخابات را غیرآزاد و غیرمنصفانه خواند و از روند برگزاری انتخابات انتقاد کرد. در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری ایران نیز آمریکا همچون برخی کشورهای اروپایی از اتخاذ موضعی که در حمایت از معترضان به انتخابات صورت گرفته بود غافل نماند. در بسیاری از مسائل داخلی ایران نظیر وقایع کوی دانشگاه که مسئله‌ای کاملاً داخلی محسوب می‌شد نیز دولتمردان وقت آمریکا اظهارات مداخله‌آمیز مکرری داشته‌اند. آنها بی‌اعتنا به قاعده حقوقی حاکمیت کشورها به موضع‌گیری در قبال چنین موضوعاتی می‌پرداختند.

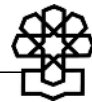
یکی دیگر از وجوه دخالت آمریکا در امور داخلی ایران به موضع‌گیری این کشور نسبت به موقعیت و کارکرد برخی نهادها و سازمان‌های کشورمان مربوط می‌شود. آمریکا در مناسبت‌های مختلف از نهادهایی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انتقاد کرده و حتی برای اولین بار سپاه پاسداران که بخشی از بدنه نظامی کشور است را تحریم کرده از این طریق تلاش کرده است تا به تضعیف شاکله کلی حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی ایران بپردازد. این قبیل موضع‌گیری‌ها نیز از دیگر مصادیق دخالت‌های آمریکا در امور داخلی ایران محسوب می‌شود.

براین اساس مجموعه مداخلات آمریکا در امور داخلی ایران که به موارد گسترده‌ای از نقض حقوق بشر در ایران توسط آمریکا منجر شده است را می‌توان به صورت خلاصه به شرح ذیل برشمرد:

- حمایت سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی از گروه‌های تروریستی متعددی مانند منافقین، پژاک، جندالله که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کنند و نقش مؤثری در عملیات‌های تروریستی در داخل ایران و شهادت تعداد بسیاری از مردم ایران شده است.

- اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و ایجاد محدودیت‌های بسیار در قبال توسعه کشور در این زمینه تحریم‌های اقتصادی و تلاش آمریکا برای مقابله با هرگونه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و یا نقش آن در طرح‌های ترانزیت انرژی سبب محدودیت‌هایی برای کشور شده و به‌ویژه تحریم صنعت هواپیمایی ایران و ممانعت از ارائه قطعات هواپیمایی به ایران، صنعت هسته‌ای و ... برخلاف مقررات بین‌المللی به امنیت شهروندان ایرانی آسیب زده است.

- اقدامات نظامی و مداخله‌جویانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و ملت ایران در مسائل



مختلفی مانند کودتای نوژه، حمله طبس، سقوط هواپیمای ایرباس و کمک به عراق در جنگ تحمیلی و... صورت گرفته است.

- حمایت سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی از عراق در خلال جنگ تحمیلی و تقابل مستقیم با مردم ایران سبب شهادت تعداد زیادی نیروهای نظامی و شهروندان غیرنظامی ایران شده است.
- ایجاد برخی محدودیت‌ها در مورد ورود ایرانیان به آمریکا عدم ارسال روادید انگشت‌نگاری و... و حتی زندانی کردن برخی ایرانیان در آمریکا و... نیز علیه منافع شهروندان ایرانی صورت گرفته و از مصادیق نقض حقوق بشر است.
- مقابله با نظام مردمی ایران در دوره مصدق و حق تعیین سرنوشت ملت ایران در انتخاب نظام جمهوری اسلامی ایران و تداوم دشمنی و خصومت علیه مردم ایران.
- مخالفت با حقوق هسته ای ایران و پیشرفت‌های آنان در سایر حوزه‌ها.

و

جمع‌بندی

حقوق بشر یکی از مهمترین دستاوردهای بشر طی چند قرن گذشته است که در صورت تحقق می‌تواند تا حدی حقوق شهروندان را تأمین کند، اما این مفهوم با همه کاستی‌هایی که دارد سال‌های متمادی است که با بهره‌گیری از اهرم رسانه‌ها، مورد استفاده ابزاری برخی کشورهای جهان قرار گرفته و از این طریق انواع فشارها بر کشورهای مخالف آنان تحمیل شده است. در این میان، دولت آمریکا - که همواره داعیه دموکراسی و حقوق بشر داشته و با بهانه نقض حقوق بشر اقداماتی علیه بسیاری از کشورها انجام داده است - از استانداردهای لازم در مورد حقوق بشر در کشور خود برخوردار نبوده و به شکل سازماندهی شده ای نقض حقوق بشر در داخل این کشور وجود دارد. باوجود این، در گزارش‌های سالیانه منتشر شده توسط وزارت امور خارجه آمریکا در مورد وضعیت حقوق بشر در جهان نیز اکثر کشورهای دنیا به نقض حقوق بشر متهم می‌شوند، اما به موارد گسترده نقض حقوق بشر در داخل آمریکا مانند رویکرد ایالات متحده نسبت به مقررات و استانداردهای حقوق بشری، بررسی وضعیت این کشور در رعایت حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بررسی وضعیت بومیان و اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی، رنگین‌پوستان و گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان، کودکان، مهاجران و پناهجویان در برخورداری از حقوق بشر و موضوع اسلام‌ستیزی و نقض حقوق بشر در خارج از آمریکا در نتیجه اشغال عراق و افغانستان و در سایه سیاست مبارزه با تروریسم و نیز حمایت از رژیم صهیونیستی به‌عنوان بزرگ‌ترین ناقض حقوق بشر و حمایت از سایر گروه‌های تروریستی و... اشاره‌ای نمی‌شود. براین‌اساس، آمریکا به هیچ عنوان نمی‌تواند معیاری برای



قضاوت در مورد حقوق بشر باشد و افشای موارد نقض حقوق بشر توسط آمریکا، یک ضرورت اساسی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

ازسوی دیگر با بررسی سابقه مداخلات آمریکا در امور داخلی ایران که به موارد گسترده‌ای از نقض حقوق بشر در ایران توسط آمریکا (مانند حمایت سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی از گروه‌های تروریستی و شهادت تعداد بسیاری از مردم ایران، اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و ایجاد محدودیت‌های بسیار در قبال توسعه کشور که برخلاف مقررات بین‌المللی به امنیت شهروندان ایرانی آسیب‌زده است، حمایت سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی از عراق در خلال جنگ تحمیلی و تقابل مستقیم با مردم ایران سبب شهادت تعداد زیادی نیروهای نظامی و شهروندان غیرنظامی ایران شده است، مقابله با حق تعیین سرنوشت ملت ایران در انتخاب نظام جمهوری اسلامی ایران و تداوم دشمنی و خصومت علیه مردم ایران و مخالفت با حقوق هسته‌ای ایران و پیشرفت‌های آنان در سایر حوزه‌ها و ...) منجر شده، ضرورت افشای مواردی که دولت آمریکا به نقض پرداخته است آشکار می‌گردد.

براین اساس است که با مصوبه مجلس شورای اسلامی، وزارت امور خارجه مکلف شده است سالیانه موارد نقض حقوق بشر در آمریکا را رسماً تهیه و اعلام کند. لازم به ذکر است که اگرچه در سال گذشته، وزارت امورخارجه کشورمان برای اولین بار، موارد نقض حقوق بشر در آمریکا را در قالب یک گزارش به صورت محدود منتشر کرد، اما ضروری است اولاً سالیانه همزمان با اعلام رسمی انتشار این گزارش، متن آن به زبان‌های مختلف ترجمه شده و در اختیار رسانه‌های بین‌المللی و نهادهای بین‌المللی حقوق بشری قرار گیرد. ثانیاً از الگوهای موجود مانند گزارش‌های رسمی سالیانه برخی از کشورها در مورد نقض حقوق بشر توسط آمریکا بهره‌برداری شود.

ازسوی دیگر در راستای افشای موارد نقض حقوق بشر توسط آمریکا ضروری است مسئولان کشور در کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی به خصوص در دفتر حقوق بشر کشورهای عضو عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی با تأکید بر این موارد و حداقل اعلام رسمی این موارد، نقض حقوق بشر در آمریکا را در اسناد رسمی سازمان ملل و سایر مجامع بین‌المللی همواره منتشر و ثبت کنند و با همکاری با سایر کشورهایی که در معرض اتهامات آمریکا قرار دارند توجه عفو بین‌الملل و کمیته حقوق بشر سازمان ملل را به این موارد جلب و در شورای حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل متحد، آمریکا را محکوم کنند.

منبع و مأخذ

در پاورقی‌های گزارش ذکر شده است.



شماره مسلسل: ۱۰۷۸۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مصادیق نقض حقوق بشر توسط آمریکا و مداخلات آن در جهان

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: مهدی جاودانی مقدم

ناظر علمی: محمد جمشیدی

متقاضی: حسین فدایی (نماینده مردم تهران، ری و شمیرانات در مجلس شورای اسلامی)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۲/۲۴